

## کتاب تنبیه

این است سخنانی که موسی به آنطرف

۱ اردن، در بیابان عرب به مقابل سوف، در میان فاران و توفل و لابان و حضیروت و دی ذهب با تمامی اسرائیل گفت. ۲ از حوریب به راه جبل سعیر تا قادش برنیع، سفر یازده روزه است. ۳ پس در روز اول ماه یازدهم سال چهلم، موسی بنی اسرائیل را برحسب هر آنچه خداوند او را برای ایشان امر فرموده بود تکلم نمود، ۴ بعد از آنکه سیحون ملک اموریان را که در حشبون ساکن بود و عوج ملک باشان را که در عشتاروت درادری ساکن بود، کشته بود. ۵ به آن طرف اردن در زمین موآب، موسی به بیان کردن این شریعت شروع کرده، گفت: دستور ترک حوریب ۶ یهوه خدای ما، ما را در حوریب خطاب کرده، گفت: «توقف شما در این کوه پس شده است. ۷ پس توجه نموده، کوچ کنید و به کوهستان اموریان، و جمیع حوالی آن از عربیه و کوهستان وهامون و جنوب و نگاره دریا، یعنی زمین کنعانیان و لبنان تا نهر بزرگ که نهر فرات باشد، داخل شوید. ۸ اینک زمین را پیش روی شما گذاشتم. پس داخل شده، زمینی را که خداوند برای پدران شما، ابراهیم و اسحاق و یعقوب، قسم خورد که به ایشان و بعد از آنها به ذریت ایشان بدهد، به تصرف آورید.»

۹ و در آن وقت به شما متکلم شده، گفتم: «من به تنهایی نمی توانم متحمل شما باشم. ۱۰ یهوه خدای شما، شما را افزوده است و اینک شما امروز مثل ستارگان آسمان کثیر هستید. ۱۱ یهوه خدای پدران شما، شما را هزار چندان که هستید بیفزاید و شما را برحسب آنچه به شما گفته است، برکت دهد. ۱۲ لیکن من چگونه به تنهایی متحمل محنت و بار و منازعت شما بشوم.

۱۳ پس مردان حکیم و عاقل و معروف از اسباط خود بیاورید، تا ایشان را بر شما روسا سازم.» ۱۴ و شما در جواب من گفتید: «سخنی که گفتم نیکو است که بکنیم.» ۱۵ پس روسای اسباط شما را که مردان حکیم و معروف بودند گرفته، ایشان را بر شما روسا ساختم، تا سروران هزاره‌ها و سروران صدها و سروران پنجاهها و سروران دهها و ناظران اسباط شما باشند. ۱۶ و در آنوقت داوران شما را امر کرده، گفتم: دعوی برادران خود را بشنوید، و در میان هرکس و برادرش و غریبی که نزد وی باشد به انصاف داوری نمایید. ۱۷ و در داوری طرف داری نکنید، کوچک را مثل بزرگ بشنوید و از روی انسان مترسید، زیرا که داوری از آن خداست، و هر دعوی که برای شما مشکل است، نزد من بیاورید تا آن را بشنوم. ۱۸ آن وقت همه چیزهایی را که باید بکنید، برای شما امر فرمودم.

### تجسس کنعان

۱۹ پس از حوریب کوچ کرده، از تمامی این بیابان بزرگ و ترسناک که شما دیدید به راه کوهستان اموریان رفتیم، چنانکه یهوه خدای ما به ما امر فرمود و به قادش برنوع رسیدیم. ۲۰ و به شما گفتم: «به کوهستان اموریانی که یهوه خدای ما به ما می‌دهد، رسیده‌اید. ۲۱ اینک یهوه خدای تو، این زمین را پیش روی تو گذاشته است، پس برای و چنانکه یهوه خدای پدرانت به تو گفته است، آن را به تصرف آور و ترسان و هراسان مباش.» ۲۲ آنگاه جمیع شما نزد من آمده، گفتید: «مردان چند، پیش روی خود بفرستیم تا زمین را برای ما جاسوسی نمایند، و ما را از راهی که باید برویم و از شهرهایی که به آنها می‌رویم، خبر بیاورند.» ۲۳ و این سخن مرا پسند آمد، پس دوازده نفر از شما، یعنی یکی را از هر سبط گرفتم، ۲۴ و ایشان متوجه راه شده، به کوه برآمدند و به وادی اشکول رسیده، آن را جاسوسی نمودند. ۲۵ و از

میوه زمین به دست خود گرفته، آن را نزد ما آوردند، و ما را مخبر ساخته، گفتند: «زمینی که یهوه خدای ما، به ما می دهد، نیکوست.»

### عصیان قوم

۲۶ لیکن شما نخواستید که بروید، بلکه از فرمان خداوند عصیان ورزیدید. ۲۷ و درخیمه های خود همهمه کرده، گفتید: «چونکه خداوند ما را دشمن داشت، ما را از زمین مصر بیرون آورد، تا ما را به دست اموریان تسلیم کرده، هلاک سازد. ۲۸ و حال کجا برویم چونکه برادران ما دل ما را گذاخته، گفتند که این قوم از ما بزرگتر و بلندترند و شهرهای ایشان بزرگ و تا آسمان حصاردار است، و نیز بنی عناق را در آنجا دیده ایم.» ۲۹ پس من به شما گفتم: «مترسید و از ایشان هراسان مباشید. ۳۰ یهوه خدای شما که پیش روی شما می رود برای شما جنگ خواهد کرد، برحسب هرآنچه به نظر شما در مصر برای شما کرده است.» ۳۱ و هم در بیابان که در آنجا دیدید چگونه یهوه خدای تو مثل کسی که پسر خود را می برد تو را در تمامی راه که می رفتی درمی داشت تا به اینجا رسیدید. ۳۲ لیکن با وجود این، همه شما به یهوه خدای خود ایمان نیاوردید. ۳۳ که پیش روی شما در راه می رفت تا جایی برای نزول شما بطلبد، وقت شب در آتش تا راهی را که به آن بروید به شما بنماید و وقت روز در ابر.

۳۴ و خداوند آواز سخنان شما را شنیده، غضبناک شد، و قسم خورده، گفت: ۳۵ «هیچکدام از این مردمان و از این طبقه شریر، آن زمین نیکو را که قسم خوردم که به پدران شما بدهم، هرگز نخواهند دید. ۳۶ سوای کالیب بن یفنه که آن را خواهد دید و زمینی را که در آن رفته بود، به وی و به پسرانش خواهم داد، چونکه خداوند را پیروی کامل نمود.» ۳۷ و خداوند بخاطر شما بر من نیز خشم نموده، گفت که «تو هم داخل آنجا نخواهی شد. ۳۸ یوشع بن نون که بحضور تو می ایستد داخل آنجا خواهد شد، پس او

را قوی گردان زیرا اوست که آن را برای بنی اسرائیل تقسیم خواهد نمود. ۳۹ و اطفال شما که درباره آنها گفتید که به یغما خواهند رفت، و پسران شما که امروز نیک و بد را تمیز نمی دهند، داخل آنجا خواهند شد، و آن را به ایشان خواهیم داد تا مالک آن بشوند. ۴۰ و اما شما روگردانیده از راه بحر قلزم به بیابان کوچ کنید.»

۴۱ و شما در جواب من گفتید که «به خداوندگاه ورزیده ایم، پس رفته، جنگ خواهیم کرد، موافق هر آنچه یهوه خدای ما به ما امر فرموده است، و همه شما اسلحه جنگ خود را بسته، عزیمت کردید که به کوه برآید. ۴۲ آنگاه خداوند به من گفت: «به ایشان بگو که نروند و جنگ ننمایند زیرا که من در میان شما نیستم، مبادا از حضور دشمنان خود مغلوب شوید.» ۴۳ پس به شما گفتم، لیکن نشنیدید، بلکه از فرمان خداوند عصیان ورزیدید، و مغرور شده، به فراز کوه برآمدید. ۴۴ و اموریانی که در آن کوه ساکن بودند به مقابله شما بیرون آمده، شما را تعاقب نمودند، بطوری که زنبورها می کنند و شما را از سعیر تاحرما شکست دادند. ۴۵ پس برگشته، به حضور خداوند گریه نمودید، اما خداوند آواز شما را نشنید و به شما گوش نداد. ۴۶ و در قادش برحسب ایام توقف خود، روزهای بسیار ماندید.

## ۲

### سرگردانی در بیابان

۱ پس برگشته، چنانکه خداوند به من گفته بود، از راه بحر قلزم در بیابان کوچ کردیم و روزهای بسیار کوه سعیر را دور زدیم. ۲ پس خداوند مرا خطاب کرده، گفت: ۳ «دور زدن شما به این کوه بس است، بسوی شمال برگردید. ۴ و قوم را امر فرموده، بگو که شما از حدود برادران خود بنی عیسو که در سعیر ساکنند باید بگذرید، و ایشان از شما خواهند ترسید، پس بسیار احتیاط کنید. ۵ و با ایشان منازعه مکنید، زیرا که از زمین ایشان

بقدر کف پایی هم به شما نخواهم داد، چونکه کوه سعیر را به عیسو به ملکیت داده‌ام. <sup>۶</sup> خوراک را از ایشان به نقره خریده، بخورید و آب را نیز از ایشان به نقره خریده، بنوشید.» <sup>۷</sup> زیرا که یهوه خدای تو، تو را در همه کارهای دستت برکت داده است، او راه رفتنت را در این بیابان بزرگ می‌داند، الان چهل سال است که یهوه خدایت با تو بوده است و به هیچ چیز محتاج نشده‌ای. <sup>۸</sup> پس از برادران خود بنی عیسوکه در سعیر ساکنند، از راه عربه از ایلت و عصیون جابر عبور نمودیم.

<sup>۹</sup> پس برگشته، از راه بیابان موآب گذشتیم، و خداوند مرا گفت: «موآب را اذیت مرسان و با ایشان منازعت و جنگ منما، زیرا که از زمین ایشان هیچ نصیبی به شما نخواهم داد، چونکه عار را به بنی لوط برای ملکیت داده‌ام.» <sup>۱۰</sup> ایمان که قوم عظیم و کثیر و بلند قد مثل عناقیان بودند، پیش در آنجا سکونت داشتند. <sup>۱۱</sup> ایشان نیز مثل عناقیان از رفائیان محسوب بودند، لیکن موآبیان ایشان را ایمان می‌خوانند. <sup>۱۲</sup> و حوریان در سعیر پیشتر ساکن بودند، و بنی عیسو ایشان را اخراج نموده، ایشان را از پیش روی خود هلاک ساختند، و در جای ایشان ساکن شدند، چنانکه اسرائیل به زمین میراث خود که خداوند به ایشان داده بود، کردند. <sup>۱۳</sup> الان برخیزید و از وادی زارد عبور نمایید. پس از وادی زارد عبور نمودیم. <sup>۱۴</sup> و ایامی که از قادش بر نیع راه می‌رفتیم تا از وادی زارد عبور نمودیم سی و هشت سال بود، تا تمامی آن طبقه مردان جنگی از میان اردو تمام شدند، چنانکه خداوند برای ایشان قسم خورده بود. <sup>۱۵</sup> و دست خداوند نیز بر ایشان می‌بود تا ایشان را از میان اردو بالکل هلاک کند.

<sup>۱۶</sup> پس چون جمیع مردان جنگی از میان قوم بالکل مردند، <sup>۱۷</sup> آنگاه خداوند مرا خطاب کرده، گفت: <sup>۱۸</sup> «تو امروز از عار که سرحد موآب باشد، باید بگذری. <sup>۱۹</sup> و چون به مقابل بنی عمون برسی ایشان را مرنجان و با ایشان منازعه مکن، زیرا که از زمین بنی عمون نصیبی به تو نخواهم

داد چونکه آن را به بنی لوط به ملکیت داده‌ام. ۲۰) آن نیز زمین رفائیان شمرد می‌شود و رفائیان پیشتر ساکن آنجا بودند، لیکن عمونیان ایشان را زمزمیان می‌خوانند. ۲۱) ایشان قومی عظیم و کثیر و بلند قدمثل عناقیان بودند، و خداوند آنها را از پیش روی ایشان هلاک کرد، پس ایشان را اخراج نموده، در جای ایشان ساکن شدند. ۲۲) چنانکه برای بنی عیسو که در سعیر ساکنند عمل نموده، حوریان را از حضور ایشان هلاک ساخته، آنها را اخراج نمودند، و تا امروز در جای ایشان ساکنند. ۲۳) و عویان را که در دهات تا به غزا ساکن بودند کفتوریان که از کفتور بیرون آمدند هلاک ساخته، در جای ایشان ساکن شدند. ( ۲۴) پس برخیزید و کوچ کرده، از وادی ارنون عبور کنید، اینک سیحون اموری ملک حشبون و زمین او را به دست تو دادم، به تصرف آن شروع کن و با ایشان جنگ نما. ۲۵) امروز شروع کرده، خوف و ترس تو را بر قومهای زیر تمام آسمان مستولی می‌گردانم، و ایشان آوازه تو را شنیده، خواهند لرزید، و از ترس تو مضطرب خواهند شد.»

### پیروزی بر حشبون

۲۶) پس قاصدان با سخنان صلح‌آمیز از بیابان قدیموت نزد سیحون ملک حشبون فرستاده، گفتم: ۲۷) «اجازت بده که از زمین تو بگذرم، به شاهره خواهم رفت و به طرف راست یا چپ میل نخواهم کرد. ۲۸) خوراک را به نقره به من بفروش تا بخورم، و آب را به نقره به من بده تا بنوشم، فقط اجازت بده تا بر پایهای خود بگذرم. ۲۹) چنانکه بنی عیسو که در سعیر ساکنند و موآبیان که در عارساکنند به من رفتار نمودند، تا از اردن به زمینی که یهوه خدای ما به ما می‌دهد، عبور نمایم.» ۳۰) اما سیحون ملک حشبون نخواست که ما را از سرحد خود راه بدهد، زیرا که یهوه خدای تو روح او را به قساوت و دل او را به سختی وا گذاشت، تا او را چنانکه امروز شده است، به دست تو تسلیم نماید.

۳۱ و خداوند مرا گفت: «اینک به تسلیم نمودن سیحون و زمین او به دست تو شروع کردم، پس بنا به تصرف آن بنما تا زمین او را مالک شوی.»  
 ۳۲ آنگاه سیحون با تمامی قوم خود به مقابله ما برای جنگ کردن در یاهص بیرون آمدند. ۳۳ و یهوه خدای ما او را به دست ما تسلیم نموده، او را با پسرانش و جمیع قومش زدیم. ۳۴ و تمامی شهرهای او را در آنوقت گرفته، مردان و زنان و اطفال هر شهر را هلاک کردیم که یکی را باقی نگذاشتیم. ۳۵ لیکن بهایم را با غنیمت شهرهایی که گرفته بودیم، برای خود به غارت بردیم. ۳۶ از عروعر که برکناره وادی ارنون است، و شهری که در وادی است، تا جلعاد قریه‌ای نبود که به ما ممتنع باشد، یهوه خدای ما همه را به ما تسلیم نمود. ۳۷ لیکن به زمین بنی عمون و به تمامی کناره وادی ییوق و شهرهای کوهستان، و به هر جایی که یهوه خدای ما نهی فرموده بود، نزدیک نشدیم.

## ۳

## پیروزی بر باشان

۱ پس برگشته، به راه باشان رفتیم، و عوج ملک باشان با تمامی قوم خود به مقابله ما بیرون آمده، در ادعی جنگ کرد. ۲ و خداوند مرا گفت: «از او مترس زیرا که او و تمامی قومش وزمینش را به دست تو تسلیم نموده‌ام، تا بطوری که با سیحون ملک اموریان که در حشبون ساکن بود، عمل نمودی، با وی نیز عمل نمایی.» ۳ پس یهوه، خدای ما، عوج ملک باشان را نیز و تمامی قومش را به دست ما تسلیم نموده، او را به حدی شکست دادیم که احدی از برای وی باقی نماند. ۴ و در آنوقت همه شهرهایش را گرفتیم، و شهری نماند که از ایشان نگرفتیم، یعنی شصت شهر و تمامی مرزبوم ارجوب که مملکت عوج در باشان بود. ۵ جمیع اینها شهرهای حصاردار

بادیوارهای بلند و دروازه‌ها و پشت بندها بود، سوای قرای بی حصار بسیار کثیر. ۶ و آنها را بالکل هلاک کردیم، چنانکه با سیحون، ملک حشون کرده بودیم، هر شهر را با مردان و زنان و اطفال هلاک ساختیم. ۷ و تمامی بهایم و غنیمت شهرها را برای خود به غارت بردیم.

۸ و در آن وقت زمین را از دست دو ملک اموریان که به آن طرف اردن بودند، از وادی ارنون تا جبل حرمون، گرفتیم. ۹ و این حرمون راصیدونیان سریون می خوانند و اموریان آن راسنیر می خوانند. ( ۱۰ تمام شهرهای هامون و تمامی جلعاد و تمامی باشان تا سلخه و ادرعی که شهرهای مملکت عوج در باشان بود. ۱۱ زیرا که عوج ملک باشان از بقیه رفائیان تنها باقی مانده بود. اینک تخت خواب او تخت آهنین است آیآن در ربث بنی عمون نیست. و طولش نه ذراع و عرضش چهار ذراع برحسب ذراع آدمی می باشد.

### تقسیم اراضی

۱۲ و این زمین را در آن وقت به تصرف آوردیم، و آن را از عروعی که برکنار وادی ارنون است و نصف کوهستان جلعاد؛ و شهرهایش را به رویینیان و جادیان دادم. ۱۳ و بقیه جلعاد و تمامی باشان را که مملکت عوج باشد به نصف سبطمنسی دادم، یعنی تمامی مرزبوم ارجوب را با تمامی باشان که زمین رفائیان نامیده می شود. ۱۴ یاثیر بن منسی تمامی مرزبوم ارجوب را تا حدجشوریان و معکیان گرفت، و آنها را تا امروز به اسم خود باشان، حووت یاثیر نامید. ۱۵ و جلعاد را به ماکیبر دادم. ۱۶ و به رویینیان و جادیان، از جلعاد تا وادی ارنون، هم وسط وادی و هم نگاره اش تا وادی بیوق را که حد بنی عمون باشد، دادم. ۱۷ و عرب را نیز واردن و نگاره اش را از کنترت تا دریای عرب که بحرالملح باشد، زیردامنه های فسجه به طرف مشرق دادم.



۱۸ و در آن وقت به شما امر فرموده، گفتم: «یهوه خدای شما این زمین را به شما داده است تا آن را به تصرف آورید، پس جمیع مردان جنگی شما مهیا شده، پیش روی برادران خود، بنی اسرائیل، عبور کنید. ۱۹ لیکن زنان و اطفال و مواشی شما، چونکه می دانم مواشی بسیار دارید، در شهرهای شما که به شما دادم، بمانند. ۲۰ تا خداوند به برادران شما مثل شما آرامی دهد، و ایشان نیز زمینی را که یهوه خدای شما به آنطرف اردن به ایشان می دهد، به تصرف آورند، آنگاه هریکی از شما به ملک خود که به شما دادم، برگردید.»

۲۱ و در آن وقت یوشع را امر فرموده، گفتم: «هرآنچه یهوه، خدای شما، به این دوپادشاه کرده است، چشمان تو دید، پس خداوند با تمامی ممالکی که بسوی آنها عبور می کنی، چنین خواهد کرد. ۲۲ از ایشان مترسید زیرا که یهوه خدای شماست که برای شما جنگ می کند.»

### منع ورود موسی به کنعان

۲۳ و در آنوقت نزد خداوند استغاثه کرده، گفتم: ۲۴ «ای خداوند یهوه تو به نشان دادن عظمت و دست قوی خود به بنده ات شروع کرده ای، زیرا کدام خداست در آسمان یا در زمین که مثل اعمال و جبروت تو می تواند عمل نماید. ۲۵ تمنا اینکه عبور نمایم و زمین نیکو را که به آنطرف اردن است و این کوه نیکو و لبنان را ببینم.» ۲۶ لیکن خداوند بخاطر شما با من غضبناک شده، مرا اجابت نمود و خداوند مرا گفت: «تو را کافی است. بار دیگر درباره این امر با من سخن مگو. ۲۷ به قله فسیح برای و چشمان خود را به طرف مغرب و شمال و جنوب و مشرق بلند کرده، به چشمان خود بین، زیرا که از این اردن نخواهی گذشت. ۲۸ اما یوشع را امر فرموده، او را دلیر و قوی گردان، زیرا که او پیش این قوم عبور نموده، زمینی را که تو خواهی دید، برای ایشان تقسیم خواهد نمود.» ۲۹ پس در دره، در برابر بیت فغور توقف نمودیم.

## فرمان اطاعت

۱ پس الان ای اسرائیل، فرایض و احکامی را که من به شما تعلیم می‌دهم تا آنها را بجا آورید بشنوید، تا زنده بمانید و داخل شده، زمینی را که یهوه، خدای پدران شما، به شما می‌دهد به تصرف آورید. ۲ بر کلامی که من به شما می‌فرمایم چیزی می‌فزایید و چیزی از آن کم ننمایید، تا اوامر یهوه خدای خود را که به شما می‌فرمایم، نگاه دارید. ۳ چشمان شما آنچه را خداوند در بعل فغور کرد دید، زیرا هر که پیروی بعل فغور کرد، یهوه خدای تو، او را از میان تو هلاک ساخت. ۴ اما جمیع شما که به یهوه خدای خود ملصق شدید، امروز زنده ماندید.

۵ اینک چنانکه یهوه، خدایم، مرا امر فرموده است، فرایض و احکام به شما تعلیم نمودم، تا در زمینی که شما داخل آن شده، به تصرف می‌آورید، چنان عمل نمایید. ۶ پس آنها را نگاه داشته، بجا آورید زیرا که این حکمت و فطانت شماست، در نظر قوم‌هایی که چون این فرایض را بشنوند، خواهند گفت: «هرآینه این طایفه‌ای بزرگ، قوم حکیم، و فطانت پیشه‌اند.» ۷ زیرا کدام قوم بزرگ است که خدا نزدیک ایشان باشد چنانکه یهوه، خدای ما است، در هروقت که نزادو دعا می‌کنیم؟ ۸ و کدام طایفه بزرگ است که فرایض و احکام عادلانه‌ای مثل تمام این شریعتی که من امروز پیش شما می‌گذارم، دارند؟

۹ لیکن احتراز نما و خویشتن را بسیار متوجه باش، مبادا این چیزهایی را که چشمانت دیده است فراموش کنی و مبادا اینها در تمامی ایام عمرت از دل تو محو شود، بلکه آنها را به پسرانت و پسران پسرانت تعلیم ده. ۱۰ در روزی که در حضور یهوه خدای خود در حوریب ایستاده بودی و خداوند به من گفت: «قوم را نزد من جمع کن تا کلمات خود را به ایشان بشنوانم،

تا پیامورزند که در تمامی روزهایی که بر روی زمین زنده باشند از من بترسند، و پسران خود را تعلیم دهند.»<sup>۱۱</sup> و شما نزدیک آمده، زیر کوه ایستادید، و کوه تا به وسط آسمان به آتش و تاریکی و ابرها و ظلمت غلیظ می سوخت.<sup>۱۲</sup> و خداوند با شما از میان آتش متکلم شد، و شما آواز کلمات را شنیدید، لیکن صورتی ندیدید، بلکه فقط آواز را شنیدید.<sup>۱۳</sup> و عهد خود را که شما را به نگاه داشتن آن مامور فرمود، برای شما بیان کرد، یعنی ده کله را و آنها را بر دو لوح سنگ نوشت.<sup>۱۴</sup> و خداوند مرا در آنوقت امر فرمود که فرایض و احکام را به شما تعلیم دهم، تا آنها را در زمینی که برای تصرفش به آن عبور می کنید، بجا آورید.

### منع بت پرستی

<sup>۱۵</sup> پس خویشتن را بسیار متوجه باشید، زیرا در روزی که خداوند با شما در حوریب از میان آتش تکلم می نمود، هیچ صورتی ندیدید.<sup>۱۶</sup> مبادا فاسد شوید و برای خود صورت تراشیده، یا تمثال هر شکلی از شبیه ذکور یا اناث بسازید.<sup>۱۷</sup> یا شبیه هر بهیمه‌ای که بر روی زمین است، یا شبیه هر مرغ بالدار که در آسمان می‌پرد.<sup>۱۸</sup> یا شبیه هر خزنده‌ای بر زمین یا شبیه هر ماهی‌ای که در آبهای زیر زمین است.<sup>۱۹</sup> و مبادا چشمان خود را بسوی آسمان بلند کنی، و آفتاب و ماه و ستارگان و جمیع جنود آسمان را دیده، فریفته شوی و سجده کرده، آنها را که یهوه خدایت برای تمامی قومهایی که زیر تمام آسمانند، تقسیم کرده است، عبادت نمایی.<sup>۲۰</sup> لیکن خداوند شما را گرفته، از کوره آهن ازمصر بیرون آورد تا برای او قوم میراث باشید، چنانکه امروز هستید.

<sup>۲۱</sup> و خداوند بخاطر شما بر من غضبناک شده، قسم خورد که از اردن عبور نکنم و به آن زمین نیکو که یهوه خدایت به تو برای ملکیت می‌دهد، داخل نشوم.<sup>۲۲</sup> بلکه من در این زمین خواهم مرد و از اردن عبور

نخواهم کرد، لیکن شما عبور خواهید کرد، و آن زمین نیکو را به تصرف خواهید آورد. ۲۳ پس احتیاط نمایید، مبدا عهد یهوه، خدای خود را که با شما بسته است فراموش نمایید، و صورت تراشیده یا شبیه هر چیزی که یهوه خدایت به تو نهی کرده است، برای خود بسازی. ۲۴ زیرا که یهوه خدایت آتش سوزنده و خدای غیور است.

۲۵ چون پسران و پسران پسران را تولید نموده، و در زمین مدتی ساکن باشید، اگر فاسد شده، صورت تراشیده، و شبیه هر چیزی را بسازید و آنچه در نظر یهوه خدای شما بد است بجا آورده، او را غضبناک سازید، ۲۶ آسمان و زمین را امروز بر شما شاهد می‌آورم که از آن زمینی که برای تصرف آن از اردن بسوی آن عبور می‌کنید البته هلاک خواهید شد. و روزهای خود را در آن طویل نخواهید ساخت، بلکه بالکل هلاک خواهید شد. ۲۷ و خداوند شما را در میان قوما پراکنده خواهد نمود، و شما در میان طوایفی که خداوند شما را به آنجا می‌برد، قلیل العدد خواهید ماند. ۲۸ و در آنجا خدایان ساخته شده دست انسان از چوپ و سنگ را عبادت خواهید کرد، که نمی‌بینند و نمی‌شنوند و نمی‌خورند و نمی‌بویند. ۲۹ لیکن اگر از آنجا یهوه خدای خود را بطلبی، او را خواهی یافت. بشرطی که او را به تمامی دل و به تمامی جان خود تفحص نمایی. ۳۰ چون در تنگی گرفتار شوی، و جمیع این وقایع بر تو عارض شود، در ایام آخر بسوی یهوه خدای خود برگشته، آواز او را خواهی شنید. ۳۱ زیرا که یهوه خدای تو خدای رحیم است، تو را ترک نخواهد کرد و تو را هلاک نخواهد نمود، و عهد پدرانت را که برای ایشان قسم خورده بود، فراموش نخواهد کرد.

۳۲ زیرا که از ایام پیشین که قبل از تو بوده است از روزی که خدا آدم را بر زمین آفرید، و از یک کتاره آسمان تا به کتاره دیگر پرس که آیا مثل این امر عظیم واقع شده یا مثل این شنیده شده است؟ ۳۳ آیا قومی هرگز آواز خدا را که از میان آتش متکلم شود، شنیده باشند و زنده بمانند، چنانکه تو

شنیدی؟ ۳۴ و آیا خدا عزیمت کرد که برود و قومی برای خود از میان قوم دیگر بگیرد با تجربه‌ها و آیات و معجزات و جنگ و دست قوی و بازوی دراز شده و ترسهای عظیم، موافق هر آنچه یهوه خدای شما برای شما در مصر در نظر شما بعمل آورد؟ ۳۵ این بر تو ظاهر شد تا بدانی که یهوه خداست و غیر از او دیگری نیست. ۳۶ از آسمان آواز خود را به تو شنوانید تا تو را تادیب نماید، و بر زمین آتش عظیم خود را به تو نشان داد و کلام او را از میان آتش شنیدی. ۳۷ و از این جهت که پدران تو را دوست داشته، ذریت ایشان را بعد از ایشان برگزیده بود، تو را به حضرت خود با قوت عظیم از مصر بیرون آورد. ۳۸ تا امتهای بزرگتر و عظیم تر از تو را پیش روی تو بیرون نماید و تو را در آورده، زمین ایشان را برای ملکیت به تو دهد، چنانکه امروز شده است. ۳۹ لهذا امروز بدان و در دل خود نگاه دار که یهوه خداست، بالا در آسمان و پایین بر روی زمین و دیگری نیست. ۴۰ و فرایض و اوامر او را که من امروز به تو امر می‌فرمایم نگاهدار، تا تو را و بعد از تو فرزندان تو را نیکو باشد و تا روزهای خود را بر زمینی که یهوه خدایت به تو می‌دهد تا به ابد طویل نمایی.

### شهرهای ملجا

۴۱ آنگاه موسی سه شهر به آن طرف اردن بسوی مشرق آفتاب جدا کرد. ۴۲ تا قاتلی که همسایه خود را نادانسته کشته باشد و پیشتر باوی بغض نداشته به آنها فرار کند، و به یکی از این شهرها فرار کرده، زنده مانده. ۴۳ یعنی باصر در بیابان، در زمین همواری به جهت روینیان، و راموت در جلعاد به جهت جادیان، و جولان در باشان به جهت منسیان.

### شریعت

۴۴ و این است شریعتی که موسی پیش روی بنی اسرائیل نهاد. ۴۵ این است شهادت و فرایض و احکامی که موسی به بنی اسرائیل گفت، و وقتی که ایشان از مصر بیرون آمدند. ۴۶ به آنطرف اردن در دره مقابل بیت فغور در زمین سیحون، ملک اموریان که در حشبون ساکن بود، و موسی

و بنی اسرائیل چون از مصر بیرون آمده بودند او را مغلوب ساختند. ۴۷ و زمین او را و زمین عوج ملک باشان را، دو ملک اموریانی که به آنطرف اردن بسوی مشرق آفتاب بودند، به تصرف آوردند. ۴۸ از عروعر که بر کناره وادی ارنون است تا جبل سیئون که حرمون باشد. ۴۹ و تمامی عرب به آنطرف اردن بسوی مشرق تا دریای عرب به زیر دامنه های فسجه.

## ۵

### ده فرمان

۱ و موسی تمامی بنی اسرائیل را خوانده، به ایشان گفت: ای اسرائیل فرایض و احکامی را که من امروز به گوش شما می گویم بشنوید، تا آنها را یاد گرفته، متوجه باشید که آنها را بجا آورید. ۲ یهوه خدای ما با ما در حوریب عهد بست. ۳ خداوند این عهد را با پدران ما بست، بلکه با ما که جمیع امروز در اینجا زنده هستیم. ۴ خداوند در کوه از میان آتش با شما رو برو متکلم شد. ۵) من در آن وقت میان خداوند و شما ایستاده بودم، تا کلام خداوند را برای شما بیان کنم، زیرا که شما به سبب آتش می ترسیدید و به فراز کوه بر نیامدید (و گفت: ۶) «من هستم یهوه، خدای تو، که تو را از زمین مصر از خانه بندگی بیرون آوردم. ۷ تو را به حضور من خدایان دیگر نباشند.

۸ «به جهت خود صورت تراشیده یا هیچ تمثالی از آنچه بالا در آسمان، یا از آنچه پایین در زمین، یا از آنچه در آبهای زیر زمین است مساز. ۹ آنها را سجده و عبادت ننما. زیرا من که یهوه خدای تو هستم، خدای غیورم، و گاه پدران را بر پسران تا پشت سوم و چهارم از آنانی که مرادشمن دارند، می رسانم. ۱۰ و رحمت می کنم تا هزار پشت بر آنانی که مرا دوست دارند و احکام مرا نگاه دارند.

۱۱ «نام یهوه خدای خود را به باطل مبر، زیرا خداوند کسی را که نام او را به باطل برد، بی گناه نخواهد شمرد.

۱۲ «روز سبت را نگاه دار و آن را تقدیس نما، چنانکه یهوه خدایت به تو امر فرموده است. ۱۳ شش روز مشغول باش و هرکار خود را بکن. ۱۴ اما روز هفتمین سبت یهوه خدای توست، در آن هیچکاری مکن، تو و پسرت و دخترت و غلامت و کنیزت و گاو و الاغت و همه بهایت و مهمانت که در اندرون دروازه های تو باشی، تا غلامت و کنیزت مثل تو آرام گیرند. ۱۵ و بیاد آور که در زمین مصر غلام بودی، و یهوه خدایت تو را به دست قوی و بازوی دراز از آنجا بیرون آورد، بنابراین یهوه، خدایت، تو را امر فرموده است که روز سبت را نگاه داری.

۱۶ «پدر و مادر خود را حرمت دار، چنانکه یهوه خدایت تو را امر فرموده است، تا روزهایت دراز شود و تو را در زمینی که یهوه خدایت به تومی بخشید، نیکویی باشد.

۱۷ «قتل مکن. ۱۸ و زنا مکن. ۱۹ و دزدی مکن. ۲۰ و بر همسایه خود شهادت دروغ مده. ۲۱ و برزن همسایه ات طمع مورز، و به خانه همسایه ات و به مزرعه او و به غلامش و کنیزش و گاو و الاغش و به هرچه از آن همسایه تو باشد، طمع مکن.»

۲۲ این سخنان را خداوند به تمامی جماعت شما در کوه از میان آتش و ابر و ظلمت غلیظ به آواز بلند گفت، و بر آنها چیزی نیفزود و آنها را بردو لوح سنگ نوشته، به من داد. ۲۳ و چون شما آن آواز را از میان تاریکی شنیدید، و کوه به آتش می سوخت، شما با جمیع روسای اسباط و مشایخ خود نزد من آمده، ۲۴ گفتید: اینک یهوه، خدای ما، جلال و عظمت خود را بر ما ظاهر کرده است، و آواز او را از میان آتش شنیدیم، پس امروز دیدیم که خدا با انسان سخن می گوید و زنده است. ۲۵ و اما الان چرا بمیریم زیرا که این آتش عظیم ما را خواهد سوخت، اگر آواز یهوه خدای خود را دیگر

بشنویم، خواهیم مرد. ۲۶ زیرا از تمامی بشر کیست که مثل ما آواز خدای حی را که از میان آتش سخن گوید، بشنود و زنده ماند؟ ۲۷ تو نزدیک برو و هرآنچه یهوه خدای ما بگوید، بشنو و هرآنچه یهوه خدای مابه تو بگوید برای ما بیان کن، پس خواهیم شنید و به عمل خواهیم آورد.

۲۸ و خداوند آواز سخنان شما را که به من گفتید شنید، و خداوند مرا گفت: «آواز سخنان این قوم را که به تو گفتند، شنیدم؛ هرچه گفتند نیکو گفتند. ۲۹ کاش که دلی را مثل این داشتند تا از من می‌ترسیدند، و تمامی اوامر مرا در هر وقت بجا می‌آوردند، تا ایشان را و فرزندان ایشان را تا به ابد نیکو باشد. ۳۰ برو و ایشان را بگو به خیمه‌های خود برگردید. ۳۱ و اما تو در اینجا پیش من بایست، تا جمیع اوامر و فرایض و احکامی را که می‌باید به ایشان تعلیم دهی به تو بگویم، و آنها را در زمینی که من به ایشان می‌دهم تا در آن تصرف نمایند، بجا آورند.»

۳۲ «پس توجه نمایند تا آنچه یهوه، خدای شما، به شما امر فرموده است، به عمل آورید، و به راست و چپ انحراف ننمایید. ۳۳ در تمامی آن طریقی که یهوه، خدای شما، به شما امر فرموده است، سلوک نمایید، تا برای شما نیکو باشد و ایام خود را در زمینی که به تصرف خواهید آورد، طویل نمایید.»

## ۶

### محبت و اطاعت خداوند

۱ و این است اوامر و فرایض و احکامی که یهوه، خدای شما، امر فرمود که به شما تعلیم داده شود، تا آنها را در زمینی که شما بسوی آن برای تصرف عبور می‌کنید، بجا آورید. ۲ و تا از یهوه خدای خود ترسان شده، جمیع فرایض و اوامر او را که من به شما امر می‌فرمایم نگاه داری، تو و پسر و پسر پسر، در تمامی ایام عمرت و تا عمر تو دراز شود. ۳ پس ای اسرائیل بشنو، و به عمل نمودن آن متوجه باش، تا برای تو نیکو باشد، و بسیار افزوده



شوی در زمینی که به شیر و شهد جاری است، چنانکه یهوه خدای پدران  
تورا وعده داده است.

۴ ای اسرائیل بشنو، یهوه، خدای ما، یهوه واحد است. ۵ پس یهوه  
خدای خود را به تمامی جان و تمامی قوت خود محبت نما. ۶ و این سخنانی  
که من امروز تورا امر می‌فرمایم، بر دل تو باشد. ۷ و آنها را به پسرانت به  
دقت تعلیم نما، و حین نشستنت در خانه، و رفتنت به راه، و وقت خوابیدن  
و برخاستنت از آنها گفتگو نما. ۸ و آنها را بردست خود برای علامت ببند،  
و در میان چشمانت عصابه باشد. ۹ و آنها را بر باهوه‌های درخانه ات و بر  
دروازه هایت بنویس.

۱۰ و چون یهوه، خدایت، تورا به زمینی که برای پدران ابراهیم و اسحاق  
و یعقوب قسم خورد که به تو بدهد، درآورد، به شهرهای بزرگ و خوشنمایی  
که تو بنا نکرده‌ای، ۱۱ و به خانه‌های پر از هر چیز نیکو که پر نکرده‌ای،  
و حوضهای کنده شده‌ای که نکرده‌ای، و تاکستانها و باغهای زیتونی  
که غرس ننوده‌ای، و از آنها خورده، سیر شدی. ۱۲ آنگاه با حذر باش  
مبادا خداوند را که تورا از زمین مصر، از خانه بندگی بیرون آورد، فراموش  
کنی. ۱۳ از یهوه خدای خود بترس و او را عبادت نما و به نام او قسم بخور.  
۱۴ خدایان دیگر را از خدایان طوائفی که به اطراف تومی باشند، پیروی  
نمایید. ۱۵ زیرا یهوه خدای تودر میان تو خدای غیور است، مبادا غضب  
یهوه، خدایت، بر تو افروخته شود، و تورا از روی زمین هلاک سازد.

۱۶ یهوه خدای خود را میازمایید، چنانکه اورادر مسازمودید. ۱۷ توجه  
نمایید تا اوامر یهوه خدای خود را و شهادت و فرایض او را که به شما امر  
فرموده است، نگاه دارید. ۱۸ و آنچه در نظر خداوند راست و نیکوست،  
به عمل آور تا برای تو نیکو شود، و داخل شده آن زمین نیکو را که خداوند  
برای پدران تو قسم خورد به تصرف آوری. ۱۹ و تا جمیع دشمنانت را از  
حضورت اخراج نماید، چنانکه خداوند گفته است.

۲۰ چون پسر تو در ایام آینده از تو سوال نموده، گوید که مراد از این

شهادت و فریاض واحکامی که یهوه خدای ما به شما امر فرموده است، چیست؟<sup>۲۱</sup> پس به پسر خود بگو: ما در مصر غلام فرعون بودیم، و خداوند ما را از مصر با دست قوی بیرون آورد.<sup>۲۲</sup> و خداوند آیات و معجزات عظیم و ردی‌ای بر مصر و فرعون و تمامی اهل خانه او در نظر ما ظاهر ساخت.<sup>۲۳</sup> و ما را از آنجا بیرون آورد تا ما را به زمینی که برای پدران ما قسم خورد که به ما بدهد، درآورد.<sup>۲۴</sup> و خداوند ما را مامور داشت که تمام این فریاض را بجا آورده، از یهوه خدای خود بترسیم، تا برای ما همیشه نیکو باشد و ما را زنده نگاه دارد، چنانکه تا امروز شده است.<sup>۲۵</sup> و برای ما عدالت خواهد بود که متوجه شویم که جمیع این اوامر را به حضور یهوه خدای خود بجا آوریم، چنانکه ما را امر فرموده است.

## ۷

### تصرف امتها

<sup>۱</sup> چون یهوه، خدایت، تو را به زمینی که برای تصرفش به آنجا می‌روی درآورد، و امتهای بسیار را که حتیان و جرجاشیان و اموریان و کنعانیان و فرزبان و حویان و یبوسیان، هفت امت بزرگتر و عظیم تر از تو باشند، از پیش تو اخراج نماید.<sup>۲</sup> و چون یهوه خدایت، ایشان را به دست تو تسلیم نماید، و تو ایشان را مغلوب سازی، آنگاه ایشان را بالکل هلاک کن، و با ایشان عهد مبند و بر ایشان ترحم منما.<sup>۳</sup> و با ایشان مصاهرت منما؛ دختر خود را به پسر ایشان مده، و دختر ایشان را برای پسر خود بگیر.<sup>۴</sup> زیرا که اولاد تو را از متابعت من برخوردارند گردانید، تا خدایان غیر را عبادت نمایند، و غضب خداوند بر شما افروخته شده، شما را بزودی هلاک خواهد ساخت.<sup>۵</sup> بلکه با ایشان چنین عمل نمایید؛ مذبحهای ایشان را منهدم سازید، و تمثالهای ایشان را بشکنید و اشیریم ایشان را قطع نمایید، و بتهای تراشیده ایشان را به آتش بسوزانید.<sup>۶</sup> زیرا که تو برای یهوه، خدایت، قوم مقدس هستی.

یهوه خدایت تو را برگزیده است تا از جمیع قومهایی که بر روی زمین اند، قوم مخصوص برای خود او باشی.

۷ خداوند دل خود را با شما نبست و شما را برنگزید از این سبب که از سایر قوما کثیرتر بودید، زیرا که شما از همه قوما قلیلتر بودید. <sup>۸</sup> لیکن از این جهت که خداوند شما را دوست می داشت، و می خواست قسم خود را که برای پدران شما خورده بود، بجا آورد، پس خداوند شما را با دست قوی بیرون آورد، و از خانه بندگی از دست فرعون، پادشاه مصر، فدیة داد. <sup>۹</sup> پس بدان که یهوه، خدای تو، اوست خدا، خدای امین که عهد و رحمت خود را با آتانی که او را دوست می دارند و اوامر او را بجا می آورند تا هزار پشت نگاه می دارد. <sup>۱۰</sup> و آتانی را که او را دشمن دارند، بر روی ایشان مکافات رسانیده، ایشان را هلاک می سازد. و به هر که او را دشمن دارد، تاخیر نموده، او را بر رویش مکافات خواهد رسانید. <sup>۱۱</sup> پس اوامر و فرایض و احکامی را که من امروزه جهت عمل نمودن به تو امر می فرمایم نگاه دار.

۱۲ پس اگر این احکام را بشنوید و آنها را نگاه داشته، بجا آورید، آنگاه یهوه خدایت عهد و رحمت را که برای پدرانت قسم خورده است، با تو نگاه خواهد داشت. <sup>۱۳</sup> و تو را دوست داشته، برکت خواهد داد، و خواهد افزود، و میوه بطن تو و میوه زمین تو را و غله و شیر و روغن تو را و نتاج رمه تو را و بچه های گله تو را، در زمینی که برای پدرانت قسم خورد که به تو بدهد، برکت خواهد داد. <sup>۱۴</sup> از همه قوما مبارک تر خواهی شد، و در میان شما و بهایم شما، نریا ماده، نازاد نخواهد بود. <sup>۱۵</sup> و خداوند هر بیماری را از تو دور خواهد کرد، و هیچکدام از مرضهای بد مصر را که می دانی، بر تو عارض نخواهد گردانید، بلکه بر تمامی دشمنان آنها را خواهد آورد. <sup>۱۶</sup> و تمامی قوما را که یهوه بدست تو تسلیم می کندهلاک ساخته، چشم تو بر آنها ترحم ننماید، و خدایان ایشان را عبادت منما، مبادا برای تو

دام باشد.

۱۷ و اگر در دلت گویی که این قوما از من زیاده‌اند، چگونه توام ایشان را اخراج نمایم؟ ۱۸ از ایشان مترس بلکه آنچه را یهوه خدایت بافرعون و جمیع مصریان کرد، نیکو بیاد آور. ۱۹ یعنی تجربه های عظیمی را که چشمانت دیده است، و آیات و معجزات و دست قوی و بازوی دراز را که یهوه، خدایت، تو را به آنها بیرون آورد. پس یهوه، خدایت، با همه قومهایی که از آنها می ترسی، چنین خواهد کرد. ۲۰ و یهوه خدایت نیز زنبورها در میان ایشان خواهد فرستاد، تا باقی ماندگان و پنهان شدگان ایشان از حضور تو هلاک شوند. ۲۱ از ایشان مترس زیرا یهوه خدایت که در میان توست، خدای عظیم و مهیب است. ۲۲ و یهوه، خدایت، این قوما را از حضور تو به تدریج اخراج خواهد نمود، ایشان را بزودی نمی توانی تلف نمایی مبادا وحوش صحرا برتوزیاد شوند. ۲۳ لیکن یهوه خدایت، ایشان را به دست تو تسلیم خواهد کرد، و ایشان را به اضطراب عظیمی پریشان خواهد نمود تا هلاک شوند. ۲۴ و ملوک ایشان را بدست تو تسلیم خواهد نمود، تا نام ایشان را از زیر آسمان محوسازی، و کسی یارای مقاومت با تو نخواهد داشت تا ایشان را هلاک سازی. ۲۵ و تمثالهای خدایان ایشان را به آتش بسوزانید، به نقره و طلائی که بر آنهاست، طمع مورز، و برای خودمگیر، مبادا از آنها به دام گرفتار شوی، چونکه نزد یهوه، خدای تو، مکروه است. ۲۶ و چیز مکروه را به خانه خود میاور، مبادا مثل آن حرام شوی، از آن نهایت نفرت و کراهت دار چونکه حرام است.

## ۸

### حفظ اوامر خداوند

۱ تمامی اوامری را که من امروز به شما امر می فرمایم، حفظ داشته، بجا آورید، تا زنده مانده، زیاد شوید، و به زمینی که خداوند برای پدران شما قسم خورده بود، داخل شده، در آن تصرف نمایید. ۲ و بیاد آور تمامی راه

را که یهوه، خدایت، تو را این چهل سال در بیابان رهبری نمود تا تو را ذلیل ساخته، بیازماید، و آنچه را که در دل تو است بداند، که آیا اوامر او را نگاه خواهی داشت یا نه. <sup>۳</sup> و او تو را ذلیل و گرسنه ساخت و من را به تو خورانید که نه تو آن را می دانستی و نه پدرانت می دانستند، تا تو را بیاموزاند که انسان نه به نان تنها زیست می کند بلکه به هر کلمه ای که از دهان خداوند صادر شود، انسان زنده می شود. <sup>۴</sup> در این چهل سال لباس تو در برت مندرس نشد، و پای تو آماس نکرد. <sup>۵</sup> پس در دل خود فکر کن که بطوری که پدر، پسر خود را تادیب می نماید، یهوه خدایت تو را تادیب کرده است. <sup>۶</sup> و اوامر یهوه خدای خود را نگاه داشته، در طریقهای او سلوک نما و از او بترس. <sup>۷</sup> زیرا که یهوه خدایت تو را به زمین نیکو درمی آورد؛ زمین پر از نهرهای آب و از چشمه ها و دریاچه ها که از دره ها و کوهها جاری می شود. <sup>۸</sup> زمینی که پر از گندم و جو و مو و انجیروانار باشد، زمینی که پر از زیتون زیت و عسل است. <sup>۹</sup> زمینی که در آن نان را به تنگی نخواهی خورد، و در آن محتاج به هیچ چیز نخواهی شد، زمینی که سنگهای آهن است، و از کوههای مس خواهی کند. <sup>۱۰</sup> و خورده، سیر خواهی شد، و یهوه خدای خود را به جهت زمین نیکو که به تو داده است، متبارک خواهی خواند.

<sup>۱۱</sup> پس باحذر باش، مبادا یهوه خدای خود را فراموش کنی و اوامر و احکام و فرائض او را که من امروز به تو امر می فرمایم، نگاه نداری. <sup>۱۲</sup> مبادا خورده، سیر شوی، و خانه های نیکو بنا کرده، در آن ساکن شوی. <sup>۱۳</sup> و رمه و گله تو زیاد شود، و نقره و طلا برای تو افزون شود، و مایلک تو افزوده گردد. <sup>۱۴</sup> و دل تو مغرور شده، یهوه خدای خود را که تو را از زمین مصر از خانه بندگی بیرون آورد، فراموش کنی. <sup>۱۵</sup> که تو را در بیابان بزرگ و خوفناک که در آن مارهای آتشین و عقربها و زمین تشنه بی آب بود، رهبری نمود، که برای تو آب از سنگ خارا بیرون آورد. <sup>۱۶</sup> که تو را در بیابان من را خورانید که پدرانت آن را ندانسته بودند، تا تو را ذلیل

سازد و تو را بیازماید و بر تو در آخرت احسان نماید. ۱۷ مبدا در دل خود بگویی که قوت من و توانایی دست من، این توانگری را از برایم پیدا کرده است. ۱۸ بلکه یهوه خدای خود را بیاد آور، زیرا اوست که به تو قوت می دهد تا توانگری پیدا نمایی، تا عهد خود را که برای پدران تو قسم خورده بود، استوار بدارد، چنانکه امروز شده است. ۱۹ و اگر یهوه خدای خود را فراموش کنی و پیروی خدایان دیگر نموده، آنها را عبادت و سجده نمایی، امروز بر شما شهادت می دهم که البته هلاک خواهید شد. ۲۰ مثل قومهای که خداوند پیش روی تو هلاک می سازد، شما همچنین هلاک خواهید شد از این جهت که قول یهوه خدای خود را نشنیدید.

## ۹

۱ ای اسرائیل بشنو. تو امروز از اردن عبور می کنی، تا داخل شده، قومهایی را که از تو عظیم تر و قوی تراند، و شهرهای بزرگ را که تا به فلک حصاردار است، به تصرف آوری، ۲ یعنی قوم عظیم و بلند قد بنی عناق را که می شناسی و شنیده ای که گفته اند کیست که یارای مقاومت بابنی عناق داشته باشد. ۳ پس امروز بدان که یهوه، خدایت، اوست که پیش روی تو مثل آتش سوزنده عبور می کند، و او ایشان را هلاک خواهد کرد، و پیش روی تو ذلیل خواهد ساخت، پس ایشان را اخراج نموده، بزودی هلاک خواهی نمود، چنانکه خداوند به تو گفته است.

۴ پس چون یهوه، خدایت، ایشان را از حضور تو اخراج نماید، در دل خود فکر مکن و مگو که به سبب عدالت من، خداوند مرا به این زمین درآورد تا آن را به تصرف آورم، بلکه به سبب شرارت این امتهای، خداوند ایشان را از حضور تو اخراج می نماید. ۵ نه به سبب عدالت خود و نه به سبب راستی دل خویش داخل زمین ایشان برای تصرفش می شوی، بلکه به سبب شرارت این امتهای، یهوه، خدایت، ایشان را از حضور تو اخراج می نماید، و

تا آنکه کلامی را که خداوند برای پدران، ابراهیم و اسحاق و یعقوب، قسم خورده بود، استوار نماید.

۶ پس بدان که یهوه، خدایت، این زمین نیکو را به سبب عدالت تو به تو نمی دهد تا در آن تصرف نمایی، زیرا که قومی گردن کش هستی. ۷ پس پیادآور و فراموش مکن که چگونه خشم یهوه خدای خود را در بیابان جنبش دادی و از روزی که از زمین مصر بیرون آمدی تا به اینجا رسیدی به خداوند عاصی می شدیدی.

۸ و در حوریب خشم خداوند را جنبش دادید، و خداوند بر شما غضبناک شد تا شما را هلاک نماید. ۹ هنگامی که من به کوه برآمدم تالوهای سنگ یعنی لوحهای عهدی را که خداوند با شما بست، بگیرم، آنگاه چهل روز و چهل شب در کوه ماندم؛ نه نان خوردم و نه آب نوشیدم. ۱۰ و خداوند دو لوح سنگ مکتوب شده به انگشت خدا را به من داد و بر آنها موافق تمامی سخنانی که خداوند در کوه از میان آتش در روز اجتماع به شما گفته بود، نوشته شد. ۱۱ و واقع شد بعد از انقضای چهل روز و چهل شب که خداوند این دو لوح سنگ یعنی لوحهای عهد را به من داد، ۱۲ و خداوند مرا گفت: «برخاسته، از اینجا به زودی فرود شو زیرا قوم تو که از مصر بیرون آوردی فاسد شده اند، و از طریقی که ایشان را امر فرمودم به زودی انحراف ورزیده، بتی ریخته شده برای خود ساختند.» ۱۳ و خداوند مرا خطاب کرده، گفت: «این قوم را دیدم و اینک قوم گردن کش هستند. ۱۴ مرا واگذار تا ایشان را هلاک سازم و نام ایشان را از زیر آسمان محو کنم و از تو قومی قوی تر و کثیرتر از ایشان بوجود آورم.»

۱۵ پس برگشته، از کوه فرود آمدم و کوه به آتش می سوخت و دو لوح عهد در دست من بود. ۱۶ و نگاه کرده، دیدم که به یهوه خدای خود نگاه ورزیده، گوساله ای ریخته شده برای خود ساخته و از طریقی که خداوند

به شما امر فرموده بود، به زودی برگشته بودید. ۱۷ پس دو لوح را گرفتم و آنها را از دو دست خود انداخته، در نظر شما شکستم. ۱۸ و مثل دفعه اول، چهل روز و چهل شب به حضور خداوند به روی درافتادم؛ نه نان خوردم و نه آب نوشیدم، به سبب همه گاهان شما که کرده و کار ناشایسته که در نظر خداوند عمل نموده، خشم او را به هیجان آوردید. ۱۹ زیرا که از غضب و حدت خشمی که خداوند بر شما نموده بود تا شما را هلاک سازد، می ترسیدم، و خداوند آن مرتبه نیز مرا اجابت نمود. ۲۰ و خداوند بر هارون بسا غضبناک شده بود تا او را هلاک سازد، و برای هارون نیز در آن وقت دعا کردم. ۲۱ و اما گناه شما یعنی گوساله‌ای را که ساخته بودید، گرفتم و آن را به آتش سوزانیدم و آن را خرد کرده، نیکو ساییدم تا مثل غبار نرم شد، و غبارش را به نهری که از کوه جاری بود، پاشیدم.

۲۲ و در تبعیره و مسا و کبروت هتاوه خشم خداوند را به هیجان آوردید. ۲۳ و وقتی که خداوند شما را از قادش برنیع فرستاده، گفت: بروید و در زمینی که به شما داده‌ام تصرف نمایید، از قول یهوه خدای خود عاصی شدید و به او ایمان نیاورده، آواز او را نشنیدید. ۲۴ از روزی که شما را شناختم تا ام به خداوند عصیان ورزیده‌اید.

۲۵ پس به حضور خداوند به روی درافتادم در آن چهل روز و چهل شب که افتاده بودم، از این جهت که خداوند گفته بود که شما را هلاک سازد. ۲۶ و نزد خداوند استدعا نموده، گفتم: «ای خداوند یهوه، قوم خود و میراث خود را که به عظمت خود فدیبه دادی و به دست قوی از مصر بیرون آوردی، هلاک مساز. ۲۷ بندگان خود ابراهیم و اسحاق و یعقوب را بیاد آور، و بر سخت دلی این قوم و شرارت و نگاه ایشان نظر منما. ۲۸ مبادا اهل زمینی که ما را از آن بیرون آوردی، بگویند چونکه خداوند نتوانست ایشان را به زمینی که به ایشان وعده داده بود درآورد، و چونکه ایشان را



دشمن می‌داشت، از این جهت ایشان را بیرون آورد تا در بیابان هلاک سازد. ۲۹ لیکن ایشان قوم تو و میراث تو هستند که به قوت عظیم خود و به بازوی افراشته خویش بیرون آوردی.»

## ۱۰

## دولوح جدید

۱ و در آن وقت خداوند به من گفت: «دولوح سنگ موافق اولیه برای خودت باش، و نزد من به کوه برآی، و تابوتی از چوب برای خود بساز. ۲ و بر این لوحها کلماتی را که بر لوحهای اولین که شکستی بود، خواهم نوشت، و آنها را در تابوت بگذار.» ۳ پس تابوتی از چوب سنط ساختم، و دولوح سنگ موافق اولین تراشیدم، و آن دولوح را در دست داشته، به کوه برآمدم. ۴ و بر آن دولوح موافق کتابت اولین، آن ده کلمه را که خداوند در کوه از میان آتش، در روز اجتماع به شما گفته بود نوشت، و خداوند آنها را به من داد. ۵ پس برگشته، از کوه فرود آمدم، و لوحها را در تابوتی که ساخته بودم گذاشتم، و در آنجا هست، چنانکه خداوند مرا امر فرموده بود.

۶ و بنی اسرائیل از بیروت بنی یعقان به موسیره کوچ کردند، و در آنجا هارون مرد و در آنجا دفن شد. و پسرش العازار در جایش به کهانت پرداخت. ۷ و از آنجا به جدجوده کوچ کردند، و از جدجوده به یطبات که زمین نهرهای آب است. ۸ در آنوقت خداوند سبط لاوی را جدا کرد، تا تابوت عهد خداوند را بردارند، و به حضور خداوند ایستاده، او را خدمت نمایند، و به نام او برکت دهند، چنانکه تا امروز است. ۹ بنابراین لاوی را در میان برادرانش نصیب و میراثی نیست؛ خداوند میراث وی است، چنانکه بیهو خدایت به وی گفته بود.

۱۰ و من در کوه مثل روزهای اولین، چهل روز و چهل شب توقف نمودم، و در آن دفعه نیز خداوند مرا اجابت نمود، و خداوند نخواست تورا

هلاک سازد. ۱۱ و خداوند مرا گفت: «برخیز و پیش روی این قوم روانه شو تا به زمینی که برای پدران ایشان قسم خوردم که به ایشان بدهم داخل شده، آن را به تصرف آورند.»

### ترس خداوند

۱۲ پس الان ای اسرائیل، یهوه خدایت از توجه می‌خواهد، جز اینکه از یهوه خدایت بترسی و در همه طریقهایش سلوک نمایی، و او را دوست بداری و یهوه خدای خود را به تمامی دل و به تمامی جان خود عبادت نمایی. ۱۳ و او امر خداوند و فرایض او را که من امروز تو را برای خیریت امر می‌فرمایم، نگاه داری. ۱۴ اینک فلک و فلک الافلاک از آن یهوه خدای توست، و زمین و هر آنچه در آن است. ۱۵ لیکن خداوند به پدران تو رغبت داشته، ایشان را محبت می‌نمود، و بعد از ایشان ذریت ایشان، یعنی شما را از همه قوم‌ها برگزید، چنانکه امروز شده است. ۱۶ پس غلغه دلهای خود را مختون سازید، و دیگر گردن کشتی ننمایید. ۱۷ زیرا که یهوه خدای شما خدای خدایان و رب الارباب، و خدای عظیم و جبار و مہیب است، که طرفداری ندارد و رشوه نمی‌گیرد. ۱۸ یتیمان و بیوه‌زنان را دادرسی می‌کند، و غریبان را دوست داشته، خوراک و پوشاک به ایشان می‌دهد. ۱۹ پس غریبان را دوست دارید، زیرا که در زمین مصر غریب بودید. ۲۰ از یهوه خدای خود بترس، و او را عبادت نما و به او ملصق شو و به نام او قسم بخور. ۲۱ او نفر توست و او خدای توست که برای تو این اعمال عظیم و مہیبی که چشمانت دیده بجا آورده است. ۲۲ پدران تو با هفتاد نفر به مصر فرود شدند و الان یهوه خدایت، تو را مثل ستارگان آسمان کثیر ساخته است.

## ۱۱

### خدا را دوست بدار

۱ پس یهوه خدای خود را دوست بدار، و ودیعت و فرایض و احکام و اوامر او را در همه وقت نگاهدار. ۲ و امروز بدانید، زیرا که به پسران شما

سخن نمی گویم که ندانسته اند، وتادیب یهوه خدای شما را ندیده اند، و نه عظمت و دست قوی و بازوی افراشته او را. ۳ و آیات و اعمال او را که در میان مصر، به فرعون، پادشاه مصر، و به تمامی زمین او بظهور آورد. ۴ و آنچه را که به لشکر مصریان، به اسبها و به ارابه های ایشان کرد، که چگونه آب بحر قلزم را برایشان جاری ساخت، وقتی که شما را تعاقب می نمودند، و چگونه خداوند، ایشان را تا به امروز هلاک ساخت. ۵ و آنچه را که برای شما در بیابان کرد تا شما به اینجا رسیدید. ۶ و آنچه را که به داتان و ایبرام پسران الیاب بن روبین کرد، که چگونه زمین دهان خود را گشوده، ایشان را و خاندان و خیمه های ایشان را، و هر ذی حیات را که همراه ایشان بود در میان تمامی اسرائیل بلعید. ۷ لیکن چشمان شما تمامی اعمال عظیمه خداوند را که کرده بود، دیدند.

۸ پس جمیع اوامری را که من امروز برای شما امر می فرمایم نگاه دارید، تا قوی شوید و داخل شده، زمینی را که برای گرفتن آن عبور می کنید، به تصرف آورید. ۹ و تا در آن زمینی که خداوند برای پدران شما قسم خورد که آن را به ایشان و ذریت ایشان بدهد، عمر دراز داشته باشید، زمینی که به شیر و شهد جاری است. ۱۰ زیرا زمینی که تو برای گرفتن آن داخل می شوی، مثل زمین مصر که از آن بیرون آمدی نیست، که در آن تخم خود را می کاشتی و آن را مثل باغ بقول به پای خود سیراب می کردی. ۱۱ لیکن زمینی که شما برای گرفتنش به آن عبور می کنید، زمین کوهها و دره هاست که از بارش آسمان آب می نوشد، ۱۲ زمینی است که یهوه خدایت بر آن التفات دارد و چشمان یهوه خدایت از اول سال تا آخر سال پیوسته بر آن است.

۱۳ و چنین خواهد شد که اگر اوامری را که من امروز برای شما امر می فرمایم، بشنوید، و یهوه خدای خود را دوست بدارید، و او را به تمامی دل و به تمامی جان خود عبادت نمایید، ۱۴ آنگاه باران زمین شما یعنی باران

اولین و آخرین را در موسم شخاوهم بخشید، تا غله و شیره و روغن خود را جمع نمایی. ۱۵ و در صحرای تو برای بهایمت علف خواهم داد تا بخوری و سپر شوی. ۱۶ باحذر باشید مبادا دل شما فریفته شود و برگشته، خدایان دیگر را عبادت و سجده نمایید. ۱۷ و خشم خداوند بر شما افروخته شود، تا آسمان را مسدود سازد، و باران نبارد، و زمین محصول خود را ندهد و شما از زمین نیکویی که خداوند به شما می‌دهد، بزودی هلاک شوید.

۱۸ پس این سخنان مرا در دل و جان خود جادهید، و آنها را بر دستهای خود برای علامت ببندید، و در میان چشمان شما عصابه باشد. ۱۹ و آنها را به پسران خود تعلیم دهید، و حین نشستن در خانه خود، و رفتنت به راه، و وقت خوابیدن و برخاستنت از آنها گفتگو نمایید. ۲۰ و آنها را بر باهوه‌های در خانه خود و بر دروازه‌های خود بنویسید. ۲۱ تا ایام شما و ایام پسران شما برزمینی که خداوند برای پدران شما قسم خورد که به ایشان بدهد، کثیر شود، مثل ایام افلاک بر بالای زمین.

۲۲ زیرا اگر تمامی این اوامر را که من به جهت عمل نمودن به شما امر می‌فرمایم، نیکو نگاه دارید، تا یهوه خدای خود را دوست دارید، و در تمامی طریقهای او رفتار نموده، به او ملصق شوید، ۲۳ آنگاه خداوند جمیع این امتهای را از حضور شما اخراج خواهد نمود، و شما امتهای بزرگتر و قویتر از خود را تسخیر خواهید نمود. ۲۴ هر جایی که کف پای شما بر آن گذارده شود، از آن شما خواهد بود، از بیابان و لبنان و از نهر، یعنی نهر فرات تا دریای غربی، حدود شما خواهد بود. ۲۵ و هیچکس یارای مقاومت با شما نخواهد داشت، زیرا یهوه خدای شما ترس و خوف شما را بر تمامی زمین که به آن قدم می‌زنید مستولی خواهد ساخت، چنانکه به شما گفته است.

۲۶ اینک من امروز برکت و لعنت پیش شما می‌گذارم. ۲۷ اما برکت، اگر اوامر یهوه خدای خود را که من امروز به شما امر می‌فرمایم، اطاعت نماید. ۲۸ و اما لعنت، اگر اوامر یهوه خدای خود را اطاعت ننموده، از

طریقی که من امروز به شما می‌فرمایم برگردید، و خدایان غیر را که نشناخته‌اید، پیروی ننمایید. ۲۹ و واقع خواهد شد که چون یهوه، خدایت، تو را به زمینی که به جهت گرفتنش به آن می‌روی داخل سازد، آنگاه برکت را بر کوه جرزیم و لعنت را بر کوه ایبال خواهی گذاشت. ۳۰ آیا آنها به آنطرف اردن نیستند پشت راه غروب آفتاب، در زمین کنعانیانی که در عرب‌ها ساکنند مقابل جلجال نزد بلوطهای مورده.

۳۱ زیرا که شما از اردن عبور می‌کنید تا داخل شده، زمینی را که یهوه خدایت به تو می‌بخشد به تصرف آورید، و آن را خواهید گرفت و در آن ساکن خواهید شد. ۳۲ پس متوجه باشید تا جمیع این فرایض و احکامی را که من امروز پیش شما می‌گذارم، به عمل آورید.

## ۱۲

### تنها محل عبادت

۱ اینهاست فرایض و احکامی که شما در تمامی روزهایی که بر زمین زنده خواهید ماند، می‌باید متوجه شده، به عمل آرید، در زمینی که یهوه خدای پدرانت به تو داده است، تا در آن تصرف نمایی.

۲ جمیع اماکن امتهایی را که در آنها خدایان خود را عبادت می‌کنند و شما آنها را اخراج می‌نمایید خراب نمایید، خواه بر کوههای بلند خواه بر تله‌ها و خواه زیر هر درخت سبز. ۳ مذبحهای ایشان را بشکنید و ستونهای ایشان را خرد کنید، و اشیره‌های ایشان را به آتش بسوزانید، و بت‌های تراشیده شده خدایان ایشان را قطع نمایید، و نامهای ایشان را از آنجا محوسازید. ۴ با یهوه خدای خود چنین عمل ننمایید. ۵ بلکه به مکانی که یهوه خدای شما از جمیع اسباط شما برگزید تا نام خود را در آنجا بگذارد، یعنی مسکن او را بطلبید و به آنجا بروید. ۶ و به آنجا قربانی‌های سوختنی و ذبایح و عشرهای خود، و هدایای افراشتنی دستهای خویش، و نذرها و نوافل خود و نخست زاده‌های رمه و گله خویش را ببرید. ۷ و در آنجا بحضور یهوه خدای خود

بخورید، و شما و اهل خانه شما در هر شغل دست خود که یهوه خدای شما، شما را در آن برکت دهد، شادی نمایید.

<sup>۸</sup> موافق هر آنچه ما امروز در اینجا می کنیم، یعنی آنچه در نظر هر کس پسند آید، نکنید. <sup>۹</sup> زیرا که هنوز به آرامگاه و نصیبی که یهوه خدای شما، به شما می دهد داخل نشده اید. <sup>۱۰</sup> اما چون از اردن عبور کرده، در زمینی که یهوه، خدای شما، برای شما تقسیم می کند، ساکن شوید، و او شما را از جمیع دشمنان شما از هر طرف آرامی دهد تا در امنیت سکونت نمایید. <sup>۱۱</sup> آنگاه به مکانی که یهوه خدای شما برگزیند تا نام خود را در آن ساکن سازد، به آنجا هر چه را که من به شما امر فرمایم بیاورید، از قربانی های سوختنی و ذبائح و عشرهای خود، و هدایای افراشتنی دستهای خویش، و همه نذرهای بهترین خود که برای خداوند نذر نمایید. <sup>۱۲</sup> و به حضور یهوه خدای خود شادی نمایید، شما با پسران و دختران و غلامان و کنیزان خود، و لاویانی که درون دروازه های شما باشند، چونکه ایشان را با شما حصه ای و نصیبی نیست.

<sup>۱۳</sup> با حذر باش که در هر جایی که می بینی قربانی های سوختنی خود را بگذرانی، <sup>۱۴</sup> بلکه در مکانی که خداوند در یکی از اسباط تو برگزیند در آنجا قربانی های سوختنی خود را بگذرانی، و در آنجا هر چه من به تو امر فرمایم، به عمل آوری.

<sup>۱۵</sup> لیکن گوشت را بر حسب تمامی آرزوی دلت، موافق برکتی که یهوه خدایت به تو دهد، در همه دروازه های ذبح کرده، بخور؛ اشخاص نجس و طاهر از آن بخورند چنانکه از غزال و آهومی خورند. <sup>۱۶</sup> ولی خون را نخور؛ آن را مثل آب بر زمین بریز. <sup>۱۷</sup> عشر غله و شیره و روغن و نخست زاده رمه و گله خود را در دروازه های خود بخور، و نه هیچیک از نذرهای خود را که ندرمی کنی و از نوافل خود و هدایای افراشتنی دست خود را. <sup>۱۸</sup> بلکه آنها را به حضور یهوه خدایت در مکانی که یهوه خدایت برگزیند، بخور، تو و پسران و دختران و غلامان و کنیزان و لاویانی که درون دروازه های

تو باشند، و به هرچه دست خود را بر آن بگذاری به حضور یهوه خدایت شادی نما. ۱۹ با حذر باش که لاویان را در تمامی روزهایی که در زمین خود باشی، ترک نمایی.

۲۰ چون یهوه، خدایت، حدود تو را بطوری که تو را وعده داده است، وسیع گرداند، و بگویی که گوشت خواهم خورد، زیرا که دل تو به گوشت خوردن مایل است، پس موافق همه آرزوی دلت گوشت را بخور. ۲۱ و اگر مکانی که یهوه، خدایت، برگزید تا اسم خود را در آن بگذارد از تو دور باشد، آنگاه از رمه و گله خود که خداوند به تو دهد ذبح کن، چنانکه به تو امر فرموده‌ام و از هرچه دلت بخواهد در دروازه هایت بخور. ۲۲ چنانکه غزال و آهو خورده شود، آنها را چنین بخور؛ شخص نجس و شخص طاهر از آن برابر بخورند. ۲۳ لیکن هوشیار باش که خون را نخوری زیرا خون جان است و جان را با گوشت نخوری. ۲۴ آن را نخور، بلکه مثل آب بر زمینش بریز. ۲۵ آن را مخور تا برای تو و بعد از تو برای پسرانت نیکو باشد هنگامی که آنچه در نظر خداوند راست است، بجا آوری. ۲۶ لیکن موقوفات خود را که داری و نذرهای خود را برداشته، به مکانی که خداوند برگزید، برو. ۲۷ و گوشت و خون قربانی های سوختنی خود را بر مذبح یهوه خدایت بگذران و خون ذبایح تو بر مذبح یهوه خدایت ریخته شود و گوشت را بخور.

۲۸ متوجه باش که همه این سخنانی را که من به تو امر می‌فرمایم بشنوی تا برای تو و بعد از تو برای پسرانت هنگامی که آنچه در نظر یهوه، خدایت، نیکو و راست است بجا آوری تا به ابد نیکو باشی.

۲۹ وقتی که یهوه، خدایت، امتیابی را که به جهت گرفتن آنها به آنجا می‌روی، از حضور تو منقطع سازد، و ایشان را اخراج نموده، در زمین ایشان ساکن شوی. ۳۰ آنگاه با حذر باش، مبادا بعد از آنکه از حضور تو هلاک شده باشی به دام گرفته شده، ایشان را پیروی نمایی و درباره خدایان ایشان

دریافت کرده، بگویی که این امتهای خدایان خود را چگونه عبادت کردند تا من نیز چنین کنم. <sup>۳۱</sup> با یهوه، خدای خود، چنین عمل منما، زیرا هرچه را که نزد خداوند مکروه است و از آن نفرت دارد، ایشان برای خدایان خود می‌کردند، حتی اینکه پسران و دختران خود را نیز برای خدایان خود به آتش می‌سوزانیدند. <sup>۳۲</sup> هرآنچه من به شما امر می‌فرمایم متوجه شوید، تا آن را به عمل آورید، چیزی بر آن میفزایید و چیزی از آن کم نکنید.

## ۱۳

### خدایان دیگر

۱ اگر در میان تو نبی‌ای یا بیننده خواب از میان شما برخیزد، و آیت یا معجزه‌ای برای شما ظاهر سازد، <sup>۲</sup> و آن آیت یا معجزه واقع شود که از آن تو را خبر داده، گفت خدایان غیر را که نمی‌شناسی پیروی نمائیم، و آنها را عبادت کنیم، <sup>۳</sup> سخنان آن نبی یا بیننده خواب را بشنو، زیرا که یهوه، خدای شما، شما را امتحان می‌کند، تا بداند که آیا یهوه، خدای خود را به تمامی دل و به تمامی جان خود محبت می‌نمایید؟ <sup>۴</sup> یهوه خدای خود را پیروی نمایید و از او بترسید، و اوامر او را نگاه دارید، و قول او را بشنوید و او را عبادت نموده، به او ملحق شوید. <sup>۵</sup> و آن نبی یا بیننده خواب کشته شود، زیرا که سخنان فتنه‌انگیز بر یهوه خدای شما که شما را از زمین مصر بیرون آورد، و تو را از خانه بندگی فدیه داد، گفته است تا تو را از طریقی که یهوه خدایت به تو امر فرمود تا با آن سلوک نمایی، منحرف سازد، پس به این طور بدی را از میان خود دور خواهی کرد.

۶ و اگر برادرت که پسر مادرت باشد یا پسر یا دختر تو یا زن هم‌آغوش تو یا رفیقت که مثل جان تو باشد، تو را در خفا اغوا کند، و گوید که برویم و خدایان غیر را که تو و پدران تو نشناختید عبادت نمائیم، <sup>۷</sup> از خدایان امتهایی که به اطراف شما می‌باشند، خواه به تو نزدیک و خواه از تو دور باشند، از اقصای زمین تا اقصای دیگر آن، <sup>۸</sup> او را قبول مکن و او را گوش مده، و



چشم تو بروی رحم نکند و بر او شفقت منما و او را پنهان مکن. <sup>۹</sup> البته او را به قتل رسان، دست تو اول به قتل او دراز شود و بعد دست تمامی قوم. <sup>۱۰</sup> و او را به سنگ سنگسار نما تا بمیرد، چونکه می خواست تو را از یهوه، خدایت، که تو را از زمین مصر از خانه بندگی بیرون آورد، منحرف سازد. <sup>۱۱</sup> و جمیع اسرائیلیان چون بشنوند، خواهند ترسید و بار دیگر چنین امر زشت را در میان شما متکب نخواهند شد.

<sup>۱۲</sup> اگر درباره یکی از شهرهایی که یهوه خدایت به تو به جهت سکونت می دهد خبر یابی، <sup>۱۳</sup> که بعضی پسران بلیعال از میان تو بیرون رفته، ساکنان شهر خود را منحرف ساخته، گفته اند برویم و خدایان غیر را که نشناخته اید، عبادت نماییم، <sup>۱۴</sup> آنگاه تفحص و تجسس نموده، نیکو استفسار نما. و اینک اگر این امر، صحیح و یقین باشد که این رجاست در میان تو معمول شده است، <sup>۱۵</sup> البته ساکنان آن شهر را به دم شمشیر بکش و آن را با هر چه در آن است و بهایمش را به دم شمشیر هلاک نما. <sup>۱۶</sup> و همه غنیمت آن را در میان کوچه اش جمع کن و شهر را با تمامی غنیمتش برای یهوه خدایت به آتش بالکل بسوزان، و آن تا به ابد تلی خواهد بود و بار دیگر بنا نخواهد شد. <sup>۱۷</sup> و از چیزهای حرام شده چیزی به دست نچسبد تا خداوند از شدت خشم خود برگشته، بر تو رحمت و رافت بنماید، و تو را بیفزاید بطوری که برای پدرانت قسم خورده بود. <sup>۱۸</sup> هنگامی که قول یهوه خدای خود را شنیده، و همه او امرش را که من امروز به تو امر می فرمایم نگاه داشته، آنچه در نظر یهوه خدایت راست است، بعمل آورده باشی.

## ۱۴

### حلال و حرام

<sup>۱</sup> شما پسران یهوه خدای خود هستید، پس برای مردگان، خویشان را مجروح ننمایید، و مابین چشمان خود را متراشید. <sup>۲</sup> زیرا تو برای یهوه،

خدایت، قوم مقدس هستی، و خداوند تو را برای خود برگزیده است تا از جمیع امتیابی که بر روی زمین اند به جهت او قوم خاص باشی.

۳ هیچ چیز مکروه مخور. ۴ این است حیواناتی که بخورید: گاو و گوسفند و بز، ۵ و آهو و غزال و گور و بزکوهی و ریم و گاو دشتی و مهات. ۶ و هر حیوان شکافته سم که سم را به دو حصه شکافته دارد و نشخوار کند، آن را از بهایم بخورید. ۷ لیکن از نشخوارکنندگان و شکافتگان سم اینها را نخورید: یعنی شتر و خرگوش و ونک، زیرا که نشخوار می کنند اما شکافته سم نیستند. اینها برای شما نجس اند. ۸ و خوک زیرا شکافته سم است، لیکن نشخوار نمی کند، این برای شما نجس است. از گوشت آنها نخورید و لاش آنها را لمس نکنید.

۹ از همه آنچه در آب است اینها را بخورید: هرچه پر و فلس دارد، آنها را بخورید. ۱۰ و هرچه پر و فلس ندارد نخورید، برای شما نجس است. ۱۱ از همه مرغان طاهر بخورید. ۱۲ و این است آنهایی که نخورید: عقاب و استخوان خوار و نسر بجر، ۱۳ و لاشخوار و شاهین و کرکس به اجناس آن؛ ۱۴ و هر غراب به اجناس آن؛ ۱۵ و شتر مرغ و جغد و مرغ دریایی و باز، به اجناس آن؛ ۱۶ و بوم و بوتیمار و قاز؛ ۱۷ و قانت و رخم و غواص؛ ۱۸ و لقلق و کلنک، به اجناس آن؛ و هدهد و شبیره. ۱۹ و همه حشرات بالدار برای شما نجس اند؛ خورده نشوند. ۲۰ اما از همه مرغان طاهر بخورید. ۲۱ هیچ میته نخورید؛ به غریبی که درون دروازه های تو باشد بده تا بخورد، یا به اجنبی بفروش، زیرا که تو برای یهوه، خدایت، قوم مقدس هستی و بزغاله را در شیر مادرش میزد.

### دهیک

۲۲ عشر تمامی محصولات مزرعه خود را که سال به سال از زمین برآید، البته بده. ۲۳ و به حضور یهوه خدایت در مکانی که برگزیند تا نام خود را در آنجا ساکن سازد، عشر غله و شیره و روغن خود را و نخست زادگان رمه

و گله خویش را بخور، تا پیاموزی که از یهوه خدایت همه اوقات بترسی. ۲۴ و اگر راه از برایت دور باشد که آن را نمی توانی برد، و آن مکانی که یهوه، خدایت، خواهد برگزید تا نام خود را در آن بگذارد، وقتی که یهوه، خدایت، تو را برکت دهد، از تو دور باشد. ۲۵ پس آن را به نقره بفروش و نقره را بدست خود گرفته، به مکانی که یهوه خدایت برگزیند، برو. ۲۶ و نقره را برای هرچه دلت می خواهد از گاو و گوسفند و شراب و مسکرات و هرچه دلت از تو بطلبد، بده، و در آنجا بحضور یهوه، خدایت، بخور و خودت با خاندانت شادی نما. ۲۷ و لاوی ای را که اندرون دروازه هایت باشد، ترک منما چونکه او را با تو حصه و نصیبی نیست.

۲۸ و در آخر هر سه سال تمام عشر محصول خود را در همان سال بیرون آورده، در اندرون دروازه هایت ذخیره نما. ۲۹ و لاوی چونکه با تو حصه و نصیبی ندارد و غریب و یتیم و بیوه زنی که درون دروازه هایت باشند، بیابند و بخورند و سیرشوند، تا یهوه، خدایت، تو را در همه اعمال دستت که می کنی، برکت دهد.

## ۱۵

### سال انفکاک

۱ و در آخر هر هفت سال، انفکاک نمایی. ۲ و قانون انفکاک این باشد، هر طلبکاری قرضی را که به همسایه خود داده باشد منفک سازد، و از همسایه و برادر خود مطالبه نکند، چونکه انفکاک خداوند اعلان شده است. ۳ از غریب مطالبه توانی کرد، اما هر آنچه از مال تو نزد برادرت باشد، دست تو آن را منفک سازد. ۴ تا نزد تو هیچ فقیر نباشد، زیرا که خداوند تو را در زمینی که یهوه، خدایت، برای نصیب و ملک به تو می دهد، البته برکت خواهد داد، ۵ اگر قول یهوه، خدایت، را به دقت بشنوی تا متوجه شده، جمیع این اوامر را که من امروز به تو امر می فرمایم بجا آوری. ۶ زیرا که یهوه، خدایت، تو را چنانکه گفته است برکت خواهد

داد، و به امتهای بسیار قرض خواهی داد، لیکن تو مدیون نخواهی شد، و بر امتهای بسیار تسلط خواهی نمود، و ایشان بر تو مسلط نخواهند شد.

۷ اگر نزد تو در یکی از دروازه هایت، در زمینی که یهوه، خدایت، به تو می بخشد، یکی از برادرانت فقیر باشد، دل خود را سخت مساز، و دستت را بر برادر فقیر خود مبنده. ۸ بلکه البته دست خود را بر او گشاده دار، و به قدر کفایت، موافق احتیاج او به او قرض بده. ۹ و باحذر باش مبادا در دل تو فکر زشت باشد، و بگویی سال هفتم یعنی سال انفکاک نزدیک است، و چشم تو بر برادر فقیر خود بد شده، چیزی به او ندهی و او از تو نزد خداوند فریاد برآورده، برایت نگاه باشد. ۱۰ البته به او بدهی و دلت از دادنش آزرده نشود، زیرا که به عوض این کار یهوه، خدایت، تو را در تمامی کارهایت و هر چه دست خود را بر آن دراز می کنی، برکت خواهد داد. ۱۱ چونکه فقیر از زمینت معدوم نخواهد شد، بنابراین من تو را امر فرموده، می گویم البته دست خود را برای برادر مسکین و فقیر خود که در زمین تو باشند، گشاده دار.

### آزادی غلامان

۱۲ اگر مرد یا زن عبرانی از برادرانت به توفروخته شود، و او تو را شش سال خدمت نماید، پس در سال هفتم او را از نزد خود آزاد کرده، رها کن. ۱۳ و چون او را از نزد خود آزاد کرده، رهایمی کنی، او را تهی دست روانه مساز. ۱۴ او را از گله و خرمن و چرخشت خود البته زاد بده، به اندازه ای که یهوه، خدایت، تو را برکت داده باشد به او بده. ۱۵ و پیادآور که تو در زمین مصر غلام بودی و یهوه، خدایت، تو را فدیة داد، بنابراین من امروز این را به تو امر می فرمایم، ۱۶ و اگر به تو گوید از نزد تو بیرون نمی روم چونکه تو را و خاندان تو را دوست دارد و او را نزد تو خوش گذشته باشد، ۱۷ آنگاه در فشی گرفته، گوشش را با آن به در بدوز تا تو را غلام ابدی باشد، و با کنیز خود نیز چنین عمل نما.

۱۸ و چون او را از نزد خود آزاد کرده، رها می کنی، بنظرت بد نیاید، زیرا که دو برابر اجرت اجیر، تو را شش سال خدمت کرده است. و یهوه خدایت در هر چه می کنی تو را برکت خواهد داد.

### تقدیس حیوانات

۱۹ همه نخست زادگان نرینه را که از رمه و گله تو زاییده شوند برای یهوه، خدای خود، تقدیس نما، و با نخست زاده گاو خود کار مکن و نخست زاده گوسفند خود را پشم مبر. ۲۰ آنها را به حضور یهوه خدای خود در مکانی که خداوند برگزیند، تو و اهل خانه ات سال به سال بخورید. ۲۱ لیکن اگر عیبی داشته باشد، مثلاً لنگ یا کور یا هر عیب دیگر، آن را برای یهوه خدایت ذبح مکن. ۲۲ آن را در اندرون دروازه هایت بخور، شخص نجس و شخص طاهر، آن را برابر مثل غزال و آه بخورند. ۲۳ اما خونش را نخور. آن را مثل آب بر زمین بریز.

## ۱۶

### فصح

۱ ماه ایب را نگاهدار و فصح را به جهت یهوه، خدایت، بجا آور، زیرا که در ماه ایب یهوه، خدایت، تو را از مصر در شب بیرون آورد. ۲ پس فصح را از رمه و گله برای یهوه، خدایت، ذبح کن، در مکانی که خداوند برگزیند، تا نام خود را در آن ساکن سازد. ۳ با آن، خمیرمایه نخور، هفت روز نان فطیر یعنی نان مشقت را با آن بخور، زیرا که به تعجیل از زمین مصر بیرون آمدی، تا روز خروج خود را از زمین مصر در تمامی روزهای عمرت بیاد آوری. ۴ پس هفت روز هیچ خمیرمایه در تمامی حدودت دیده نشود، و از گوشتی که در شام روز اول، ذبح می کنی چیزی تا صبح باقی نماند. ۵ فصح را در هر یکی از دروازه هایت که یهوه خدایت به تومی دهد، ذبح توانی کرد. ۶ بلکه در مکانی که یهوه، خدایت، برگزیند تا نام خود را در

آن ساکن سازد، در آنجا فصیح را در شام، وقت غروب آفتاب، هنگام بیرون آمدن از مصر ذبح کن. <sup>۷</sup> و آن را در مکانی که یهوه، خدایت، برگزیند پیز و بخور و بامدادان برخاسته، به خیمه هایت برو. <sup>۸</sup> شش روز نان فطیر بخور، و در روز هفتم، جشن مقدس برای یهوه خدایت باشد، در آن هیچ کار مکن.

### عید هفته ها

<sup>۹</sup> هفت هفته برای خود بشمار. از ابتدای نهادن داس در زرع خود، شمردن هفت هفته را شروع کن. <sup>۱۰</sup> و عید هفته ها را با هدیه نوافل دست خود نگاهدار و آن را به اندازه برکتی که یهوه خدایت به تو دهد، بده. <sup>۱۱</sup> و به حضور یهوه، خدایت، شادی نما تو و پسرت و دخترت و غلامت و کنیزت و لاوی که درون دروازه هایت باشد و غریب و یتیم و بیوه زنی که در میان تو باشند، در مکانی که یهوه خدایت برگزیند تا نام خود را در آن ساکن گرداند. <sup>۱۲</sup> و پیاد آور که در مصر غلام بودی، پس متوجه شده، این فرایض را بجا آور.

### عید خیمه ها

<sup>۱۳</sup> عید خیمه ها را بعد از جمع کردن حاصل از خرمن، و چرخشت خود هفت روز نگاهدار. <sup>۱۴</sup> و در عید خود شادی نما، تو و پسرت و دخترت و غلامت و کنیزت و لاوی و غریب و یتیم و بیوه زنی که درون دروازه هایت باشند. <sup>۱۵</sup> هفت روز در مکانی که خداوند برگزیند، برای یهوه خدایت عید نگاه دار، زیرا که یهوه خدایت تو را در همه محصلت و در تمامی اعمال دستت برکت خواهد داد، و بسیار شادمان خواهی بود. <sup>۱۶</sup> سه مرتبه در سال جمیع ذکورانت به حضور یهوه خدایت در مکانی که او برگزیند حاضر شوند، یعنی در عید فطیر و عید هفته ها و عید خیمه ها و به حضور خداوند تهنی دست حاضر نشوند. <sup>۱۷</sup> هر کس به قدر قوه خود به اندازه برکتی که یهوه، خدایت، به تو عطا فرماید، بدهد.

### تعیین داوران

۱۸ داوران و سروران در جمیع دروازه هایی که یهوه، خدایت، به تو می‌دهد بر حسب اسباط خود برایت تعیین نما، تا قوم را به حکم عدل، داوری نمایند. ۱۹ داوری را منحرف مساز و طرفداری منما و رشوه مگیر، زیرا که رشوه چشمان حکمرا کور می‌سازد و سخنان عادلان را کج می‌نماید. ۲۰ انصاف کامل را پیروی نما تا زنده مانی وزمینی را که یهوه خدایت به تو می‌دهد، مالک شوی.

### خدایان غیر

۲۱ اشیره‌ای از هیچ نوع درخت نزد مذبح یهوه، خدایت، که برای خود خواهی ساخت غرس منما. ۲۲ و ستونی برای خود نصب مکن زیرا یهوه خدایت آن را مکروه می‌دارد.

### ۱۷

۱ گاو یا گوسفندی که در آن عیب یا هیچ چیز بد باشد، برای یهوه خدای خود ذبح منما، چونکه آن، نزد یهوه خدایت مکروه است. ۲ اگر در میان تو، در یکی از دروازه هایت که یهوه خدایت به تو می‌دهد، مرد یا زنی پیدا شود که در نظر یهوه، خدایت، کار ناشایسته نموده، از عهد او تجاوز کند، ۳ و رفته خدایان غیر را عبادت کرده، سجده نماید، خواه آفتاب یا ماه یا هر یک از جنود آسمان که من امر نفرموده‌ام، ۴ و از آن اطلاع یافته، بشنوی، پس نیکو تفحص کن. واینک اگر راست و یقین باشد که این رجاست در اسرائیل واقع شده است، ۵ آنگاه آن مرد یا زن را که این کار بد را در دروازه هایت کرده است، بیرون آور، و آن مرد یا زن را با سنگها سنگسار کن تا بمیرند. ۶ از گواهی دو یا سه شاهد، آن شخصی که مستوجب مرگ است کشته شود؛ از گواهی یک نفر کشته نشود. ۷ اولاً دست شاهدان به جهت کشتنش بر او افراشته شود، و بعد از آن، دست تمامی قوم، پس بدی را از میان خود دور کرده‌ای.

### داوری اختلافات

۸ اگر در میان تو امری که حکم بر آن مشکل شود به ظهور آید، در میان خون و خون، و در میان دعوی و دعوی، و در میان ضرب و ضرب، از مرافعه‌هایی که در دروازه هایت واقع شود، آنگاه برخاسته، به مکانی که یهوه، خدایت، برگزیند، برو. ۹ و نزد لایوان کهنه و نزد داوری که در آن روزها باشد رفته، مسالت نما و ایشان تو را از فتوای قضا مخبر خواهند ساخت. ۱۰ و برحسب فتوایی که ایشان از مکانی که خداوند برگزیند، برای تو بیان می‌کنند، عمل نما. و هوشیار باش تا موافق هر آنچه به تو تعلیم دهند، عمل نمایی. ۱۱ موافق مضمون شریعتی که به تو تعلیم دهند، و مطابق حکمی که به تو گویند، عمل نما، و از فتوایی که برای تو بیان می‌کنند به طرف راست یا چپ تجاوز مکن. ۱۲ و شخصی که از روی تکبر رفتار نماید، و کاهنی را که به حضور یهوه، خدایت، به جهت خدمت در آنجای ایستد یا داور را گوش نگیرد، آن شخص کشته شود. پس بدی را از میان اسرائیل دور کرده‌ای. ۱۳ و تمامی قوم چون این را بشنوند، خواهند ترسید و بار دیگر از روی تکبر رفتار نخواهند نمود.

### پادشاه اسرائیل

۱۴ چون به زمینی که یهوه، خدایت، به تومی دهد، داخل شوی و در آن تصرف نموده، ساکن شوی و بگویی مثل جمیع امتهایی که به اطراف منند پادشاهی بر خود نصب نمایم، ۱۵ البته پادشاهی را که یهوه خدایت برگزیند بر خود نصب نما. یکی از برادرانت را بر خود پادشاه بساز، و مرد بیگانه‌ای را که از برادرانت نباشد، نمی‌توانی بر خود مسلط نمایی. ۱۶ لکن او برای خود اسبهای بسیار نگیرد، و قوم را به مصر پس نفرستد، تا اسبهای بسیار برای خود بگیرد، چونکه خداوند به شما گفته است بار دیگر به آن راه برنگردید. ۱۷ و برای خود زنان بسیار نگیرد، مبادا دلش منحرف شود، و نقره و طلا برای خود بسیار زیاده نیندوزد. ۱۸ و چون بر تخت مملکت خود



بنشینند، نسخه این شریعت را از آنچه از آن، نزد لایوان کهنه است برای خود در طوماری بنویسد. ۱۹ و آن نزد او باشد و همه روزهای عمرش آن را بخواند، تا پیاموزد که از یهوه خدای خود بترسد، و همه کلمات این شریعت و این فرایض را نگاه داشته، به عمل آورد. ۲۰ مبدا دل او بر برادرانش افراشته شود، و از این او امر به طرف چپ یا راست منحرف شود، تا آنکه او و پسرانش در مملکت او در میان اسرائیل روزهای طویل داشته باشند.

## ۱۸

### هدایا برای کاهنان و لایوان

۱ لایوان کهنه و تمامی سبط لایوی راحصه و نصیبی با اسرائیل نباشد.  
 ۲ پس ایشان در میان برادران خود نصیب نخواهند داشت. خداوند نصیب ایشان است، چنانکه به ایشان گفته است.  
 ۳ و حق کاهنان از قوم، یعنی از آنانی که قربانی، خواه از گاو و خواه از گوسفندی گذرانند، این است که دوش و دو بنا گوش و شکنبه را به کاهن بدهند. ۴ و نوبر غله و شیره و روغن خود و اول چین پشم گوسفند خود را به او بدهد، ۵ زیرا که یهوه، خدایت، او را از همه اسبابت برگزیده است، تا او و پسرانش همیشه بایستند و به نام خداوند خدمت نمایند.  
 ۶ و اگر احدی از لایوان از یکی از دروازه هایت از هر جایی در اسرائیل که در آنجا ساکن باشد آمده، به تمامی آرزوی دل خود به مکانی که خداوند برگزیند، برسد، ۷ پس به نام یهوه خدای خود، مثل سایر برادرانش از لایوانی که در آنجا به حضور خداوند می ایستند، خدمت نماید. ۸ حصه های برابر بخورند، سوای آنچه از ارثیت خود بفروشد.

### اعمال مکروه

۹ چون به زمینی که یهوه، خدایت، به تومی دهد داخل شوی، یاد مگیر که موافق رجاسات آن امته عمل نمایی. ۱۰ و در میان تو کسی یافت نشود که پسر یا دختر خود را از آتش بگذرانند، و نه فالگیر و نه غیب گو

و نه افسونگر و نه جادوگر،<sup>۱۱</sup> و نه ساحر و نه سوال کننده از اجنه و نه رمال و نه کسی که از مردگان مشورت می کند.<sup>۱۲</sup> زیرا هر که این کارها را کند، نزد خداوند مکروه است و به سبب این رجاسات، یهوه، خدایت، آنها را از حضور تو اخراج می کند.<sup>۱۳</sup> نزد یهوه، خدایت، کامل باش.<sup>۱۴</sup> زیرا این امتهایی که تو آنها را بیرون می کنی به غیب گویان و فالگیران گوش می گیرند، و اما یهوه، خدایت، تو را نمی گذارد که چنین بکنی.

### مبعوث کردن نبی

<sup>۱۵</sup> یهوه، خدایت، نبی ای را از میان تو از برادرانت، مثل من برای تو مبعوث خواهد گردانید، او را بشنوید.<sup>۱۶</sup> موافق هر آنچه در حوریب در روز اجتماع از یهوه خدای خود مسالت نموده، گفتی: «آواز یهوه خدای خود را دیگر نشنوم، و این آتش عظیم را دیگر نیبم، مبادا بمیرم.»<sup>۱۷</sup> و خداوند به من گفت: «آنچه گفتند نیکو گفتند.<sup>۱۸</sup> نبی ای را برای ایشان از میان برادران ایشان مثل تو مبعوث خواهم کرد، و کلام خود را به دهانش خواهم گذاشت و هر آنچه به او امر فرمایم به ایشان خواهد گفت.<sup>۱۹</sup> و هر کسی که سخنان مرا که او به اسم من گوید نشنود، من از او مطالبه خواهم کرد.<sup>۲۰</sup> و اما نبی ای که جسارت نموده، به اسم من سخن گوید که به گفتنش امر نفرمودم، یا به اسم خدایان غیر سخن گوید، آن نبی البته کشته شود.»<sup>۲۱</sup> و اگر در دل خود گویی: «سخنی را که خداوند نگفته است، چگونه تشخیص نمایم.»<sup>۲۲</sup> هنگامی که نبی به اسم خداوند سخن گوید، اگر آن چیز واقع نشود و به انجام نرسد، این امری است که خداوند نگفته است، بلکه آن نبی آن را از روی تکبر گفته است.  
پس از او ترس.

۱ وقتی که خدایت این امته را که یهوه، خدایت، زمین ایشان را به تو می‌دهد منقطع سازد، و تو وارث ایشان شده، در شهرها و خانه‌های ایشان ساکن شوی،<sup>۲</sup> پس سه شهر را برای خود در میان زمینی که یهوه، خدایت، به جهت ملکیت به تو می‌دهد، جدا کن. <sup>۳</sup> شاهراه را برای خود درست کن، و حدود زمین خود را که یهوه خدایت برای تو تقسیم می‌کند، سه قسمت کن، تا هر قاتلی در آنجا فرار کند.

۴ و این است حکم قاتلی که به آنجا فرار کرده، زنده ماند، هر که همسایه خود را نادانسته بکشد، و قبل از آن از او بغض نداشت. <sup>۵</sup> مثل کسی که با همسایه خود برای بریدن درخت در جنگل برود، و دستش برای قطع نمودن درخت تبر را بلند کند، و آهن از دسته بیرون رفته، به همسایه‌اش بخورد تا بمیرد، پس به یکی از آن شهرها فرار کرده، زنده ماند. <sup>۶</sup> مبادا ولی خون وقتی که دلش گرم است قاتل را تعاقب کند، و به سبب مسافت راه به وی رسیده، او را بکشد، و او مستوجب موت نباشد، چونکه او را پیشتر بغض نداشت. <sup>۷</sup> از این جهت من تو را امر فرموده، گفتم برای خود سه شهر جدا کن.

۸ و اگر یهوه، خدایت، حدود تو را به طوری که به پدران تو قسم خورده است وسیع گرداند، و تمامی زمین را به تو عطا فرماید، که به دادن آن به پدران تو وعده داده است،<sup>۹</sup> و اگر تمامی این اوامرها که من امروز به تو می‌فرمایم نگاه داشته، بجا آوری که یهوه خدای خود را دوست داشته، به طریقه‌های او دائم سلوک نمایی، آنگاه سه شهردیگر بر این سه برای خود مزید کن. <sup>۱۰</sup> تا خون بی‌گناه در زمینی که یهوه خدایت برای ملکیت به تو می‌دهد، ریخته نشود، و خون بر گردن تو نباشد.

۱۱ لیکن اگر کسی همسایه خود را بغض داشته، در کمین او باشد و بر او برخاسته، او را ضرب مهلک بزند که بمیرد، و به یکی از این شهرها فرار کند،<sup>۱۲</sup> آنگاه مشایخ شهرش فرستاده، او را از آنجا بگیرند، و او را به دست

ولی خون تسلیم کنند، تا کشته شود. ۱۳ چشم تو بر او ترحم نکند، تا خون بی گاهی را از اسرائیل دور کنی، و برای تو نیکو باشد.

۱۴ حد همسایه خود را که پیشینیان گذاشته‌اند، در ملک تو که به دست تو خواهد آمد، در زمینی که یهوه خدایت برای تصرفش به تومی دهد، منتقل مساز.

۱۵ یک شاهد بر کسی برنخیزد، به هر تقصیر و هر گناه از جمیع گاهانی که کرده باشد، به گواهی دو شاهد یا به گواهی سه شاهد هر امری ثابت شود. ۱۶ اگر شاهد کاذبی بر کسی برخاسته، به معصیتش شهادت دهد، ۱۷ آنگاه هر دو شخصی که منازعه در میان ایشان است، به حضور خداوند و به حضور کاهنان و داورانی که در آن زمان باشند، حاضر شوند. ۱۸ و داوران، نیکو تفحص نمایند، و اینک اگر شاهد، شاهد کاذب است و برادر خود شهادت دروغ داده باشد، ۱۹ پس به طوری که او خواست با برادر خود عمل نماید با او همان طور رفتار نمایند، تا بدی را از میان خود دور نمایی. ۲۰ و چون بقیه مردمان بشنوند، خواهند ترسید، و بعد از آن مثل این کار زشت در میان شما نخواهند کرد. ۲۱ و چشم تو ترحم نکند، جان به عوض جان، و چشم به عوض چشم، و دندان به عوض دندان، و دست به عوض دست و پا به عوض پا.

## ۲۰

## دستور العمل برای جنگ

۱ چون برای مقاتله با دشمن خود بیرون روی، و اسبها و ارابه‌ها و قومی را زیاده از خود بینی، از ایشان مترس زیرا یهوه خدایت که تو را از زمین مصر برآورده است، با توست. ۲ و چون به جنگ نزدیک شوی آنگاه کاهن پیش آمده، قوم را مخاطب سازد. ۳ و ایشان را گوید: «ای اسرائیل بشنوید شما امروز برای مقاتله با دشمنان خود پیش می‌روید، دل شما ضعیف نشود، و از ایشان ترسان و لرزان و هراسان مباشید. ۴ زیرا یهوه، خدای شما، با شما می‌رود، تا برای شما با دشمنان شما جنگ کرده شما را نجات دهد.» ۵ و

سروران، قوم را خطاب کرده، گویند: «کیست که خانه نو بنا کرده، آن را تخصیص نکرده است؛ او روانه شده، به خانه خود برگردد، مبادا در جنگ بمیرد و دیگری آن را تخصیص نماید. ۶ و کیست که تاکستانی غرس نموده، آن را حلال نکرده است؛ او روانه شده، به خانه خود برگردد، مبادا در جنگ بمیرد، و دیگری آن را حلال کند. ۷ و کیست که دختری نامزد کرده، به نکاح در نیاورده است، او روانه شده، به خانه خود برگردد، مبادا در جنگ بمیرد و دیگری او را به نکاح درآورد.» ۸ و سروران نیز قوم را خطاب کرده، گویند: «کیست که ترسان وضعیف دل است؛ او روانه شده، به خانه اش برگردد، مبادا دل برادرانش مثل دل او گداخته شود.» ۹ و چون سروران از تکلم نمودن به قوم فارغ شوند، بر سر قوم، سرداران لشکر مقرر سازند.

۱۰ چون به شهری نزدیک آبی تا با آن جنگ نمایی، آن را برای صلح ندا بکن. ۱۱ و اگر تو را جواب صلح بدهد، و دروازه ها را برای تو بگشاید، آنگاه تمامی قومی که در آن یافت شوند، به تو جزیه دهند و تو را خدمت نمایند. ۱۲ و اگر با تو صلح نکرده، با تو جنگ نمایند، پس آن را محاصره کن. ۱۳ و چون یهوه، خدایت، آن را به دست تو بسپارد، جمیع ذکورانش را به دم شمشیر بکش. ۱۴ لیکن زنان و اطفال و بهایم و آنچه در شهر باشد، یعنی تمامی غنیمتش را برای خود به تاراج ببر، و غنایم دشمنان خود را که یهوه خدایت به تو دهد، بخور. ۱۵ به همه شهرهایی که از تو بسیار دورند که از شهرهای این امته نباشند، چنین رفتار نما. ۱۶ اما از شهرهای این امتهایی که یهوه، خدایت، تو را به ملکیت می دهد، هیچ ذی نفس را زنده نگذار. ۱۷ بلکه ایشان را، یعنی حتیان و اموریان و کنعانیان و فرزریان و حویان و بیوسیان را، چنانکه یهوه، خدایت، تو را امر فرموده است، بالکل هلاک ساز. ۱۸ تا شما را تعلیم ندهند که موافق همه رجاساتی که ایشان باخدایان خود عمل می نمودند، عمل نمایند. و به یهوه، خدای خود، گناه کنید.

۱۹ چون برای گرفتن شهری با آن جنگ کنی، و آن را روزهای بسیار محاصره نمایی، تیر بر درختهایش مزن و آنها را تلف مساز. چونکه از آنها می‌خوری پس آنها را قطع منما، زیرا آیادرخت صحرا انسان است تا آن را محاصره نمایی؟<sup>۲۰</sup> و اما درختی که میدانی درختی نیست که از آن خورده شود آن را تلف ساخته، قطع نما و سنگری بر شهری که با تو جنگ می‌کند، بنا کن تا منهدم شود.

## ۲۱

## قتل نامعین

۱ اگر در زمینی که یهوه، خدایت، برای تصرفش به تو می‌دهد مقتولی در صحرا افتاده، پیدا شود و معلوم نباشد که قاتل او کیست،<sup>۲</sup> آنگاه مشایخ و داوران تو بیرون آمده، مسافت شهرهایی را که در اطراف مقتول است، پیمایند.<sup>۳</sup> و اما شهری که نزدیک تر به مقتول است، مشایخ آن شهر گوساله رمه را که با آن خیش زده، و یوغ به آن نبسته‌اند، بگیرند.<sup>۴</sup> و مشایخ آن شهر آن گوساله را در وادی‌ای که آب در آن همیشه جاری باشد و در آن خیش زده، و شخم نکرده باشند، فرود آورند، و آنجا در وادی، گردن گوساله را بشکنند.<sup>۵</sup> و بنی لاوی که‌نه نزدیک بیایند، چونکه یهوه خدایت ایشان را برگزیده است تا او را خدمت نمایند، و به نام خداوند برکت دهند، و برحسب قول ایشان هرمنازه و هر آزاری فیصل پذیرد.<sup>۶</sup> و جمیع مشایخ آن شهری که نزدیک تر به مقتول است، دستهای خود را بر گوساله‌ای که گردنش در وادی شکسته شده است، بشویند.<sup>۷</sup> و جواب داده، بگویند: «دستهای ما این خون را نریخته، و چشمان ما ندیده است.<sup>۸</sup> ای خداوند قوم خود اسرائیل را که فدیه داده‌ای بیمارز، و مگذار که خون بی‌گناه در میان قوم تو اسرائیل بماند.» پس خون برای ایشان عفو خواهد شد.<sup>۹</sup> پس خون بی‌گناه را از میان خود رفع کرده‌ای هنگامی که آنچه در نظر خداوند راست است به عمل آورده‌ای.

## ازدواج با اسرا

۱۰ چون بیرون روی تا با دشمنان خود جنگ کنی، و یهوه خدایت ایشان را به دست تسلیم نماید و ایشان را اسیر کنی،<sup>۱۱</sup> و در میان اسیران زن خوب صورتی دیده، عاشق او بشوی و بخواهی او را به زنی خود بگیری،<sup>۱۲</sup> پس او را به خانه خود ببر و او سر خود را بتراشد و ناخن خود را بگیرد.<sup>۱۳</sup> و رخت اسیری خود را بیرون کرده، در خانه تو بماند، و برای پدر و مادر خود یک ماه ماتم گیرد، و بعد از آن به او درآمده، شوهر او بشو و او زن تو خواهد بود.<sup>۱۴</sup> و اگر از وی راضی نباشی او را به خواهش دلش رها کن، لیکن او را به نقره هرگز مفروش و به او سختی مکن چونکه او را ذلیل کرده‌ای.

## حق نخست زاده

۱۵ و اگر مردی را دو زن باشد یکی محبوبه و یکی مکروهه، و محبوبه و مکروهه هر دو برایش پسران بزایند، و پسر مکروهه نخست زاده باشد،<sup>۱۶</sup> پس در روزی که اموال خود را به پسران خویش تقسیم نماید، نمی تواند پسر محبوبه را بر پسر مکروهه که نخست زاده است، حق نخست زادگی دهد.<sup>۱۷</sup> بلکه حصه‌ای مضاعف از جمیع اموال خود را به پسر مکروهه داده، او را نخست زاده خویش اقرار نماید، زیرا که او ابتدای قوت اوست و حق نخست زادگی از آن او می باشد.

## پسر سرکش

۱۸ اگر کسی را پسری سرکش و فتنه انگیز باشد، که سخن پدر و سخن مادر خود را گوش ندهد، و هر چند او را تادیب نمایند ایشان را نشنود،<sup>۱۹</sup> پدر و مادرش او را گرفته، نزد مشایخ شهرش به دروازه محله اش بیاورند.<sup>۲۰</sup> و به مشایخ شهرش گویند: «این پسر ما سرکش و فتنه انگیز است، سخن ما را نمی شنود و مسرف و میگسار است.»<sup>۲۱</sup> پس جمیع اهل شهرش او را

به سنگ سنگسار کنند تا بمیرد، پس بدی را از میان خود دور کرده‌ای و تمامی اسرائیل چون بشنوند، خواهند ترسید.

### قوانین دیگر

۲۲ و اگر کسی گاهی را که مستلزم موت است، کرده باشد و کشته شود، و او را به دار کشیده باشی،<sup>۲۳</sup> بدنش در شب بر دار نماند. او را البته در همان روز دفن کن، زیرا آنکه بر دار آویخته شود ملعون خدا است تا زمینی را که یهوه، خدایت، تو را به ملکیت می‌دهد، نجس نسازی.

### ۲۲

۱ اگر گاو یا گوسفند برادر خود را گم شده بینی، از او رومگردان. آن را البته نزد برادر خود برگردان. ۲ و اگر برادرت نزدیک تو نباشد یا او را نشناسی، آن را به خانه خود بیاور و نزد تو بماند، تا برادرت آن را طلب نماید، آنگاه آن را به او رد نما. ۳ و به الاغ او چنین کن و به لباسش چنین عمل نما و به هر چیز گمشده برادرت که از او گم شود و یافته باشی چنین عمل نما، نمی‌توانی از او رومگردانی.

۴ اگر الاغ یا گاو برادرت را در راه افتاده بینی، از آن رومگردان، البته آن را با او برخیزان.

۵ متاع مرد بر زن نباشد، و مرد لباس زن را نپوشد، زیرا هر که این کار را کند مکروه یهوه خدای توست.

۶ اگر اتفاق آشیانه مرغی در راه به نظر تو آید، خواه بر درخت یا بر زمین، و در آن بچه‌ها یا تخمها باشد، و مادر بر بچه‌ها یا تخمها نشسته، مادر را با بچه‌ها بگیر. ۷ مادر را البته رها کن و بچه‌ها را برای خود بگیر، تا برای تو نیکو شود و عمر دراز کنی.

۸ چون خانه نو بنا کنی، بر پشت بام خود دیواری بساز، مبادا کسی از آن بیفتد و خون بر خانه خود بیاوری.



- ۹ در تاکستان خود دو قسم تخم مکار، مباداتمامی آن، یعنی هم تخمی که کاشته‌ای و هم محصول تاکستان، وقف شود.
- ۱۰ گاو و الاغ را با هم جفت کرده، شیار منما.
- ۱۱ پارچه مختلط از پشم و کتان با هم میپوش.
- ۱۲ بر چهار گوشه رخت خود که خود را به آن می‌پوشانی، رشته‌ها بساز.

### مکروه داشتن زن

- ۱۳ اگر کسی برای خود زنی گیرد و چون بدودرآید، او را مکروه دارد.
- ۱۴ و اسباب حرف بدونسبت داده، از او اسم بد شهرت دهد و گوید این زن را گرفتم و چون به او نزدیکی نمودم، او را باکره نیافتم. ۱۵ آنگاه پدر یا مادر آن دختر علامت بکارت دختر برداشته، نزد مشایخ شهر نزدروازه بیاورند. ۱۶ و پدر دختر به مشایخ بگوید: «دختر خود را به این مرد به زنی داده‌ام، و از او کراحت دارد، ۱۷ و اینک اسباب حرف بدونسبت داده، می‌گوید دختر تو را باکره نیافتم، و علامت بکارت دختر من این است.» پس جامه را پیش مشایخ شهر بگسترانند. ۱۸ پس مشایخ آن شهر آن مرد را گرفته، تنبیه کنند. ۱۹ و او را صد مثقال نقره جریمه نموده، به پدر دختر بدهند چونکه بر باکره اسرائیل بدنای آورده است. و او زن وی خواهد بود و در تمامی عمرش نمی‌تواند او رارها کند.
- ۲۰ لیکن اگر این سخن راست باشد، و علامت بکارت آن دختر پیدا نشود، ۲۱ آنگاه دختر را نزد در خانه پدرش بیرون آورند، و اهل شهرش او را با سنگ سنگسار نمایند تا بمیرد، چونکه در خانه پدر خود زنا کرده، در اسرائیل قباحتی نموده است. پس بدی را از میان خود دور کرده‌ای.
- ۲۲ اگر مردی یافت شود که با زن شوهرداری همبستر شده باشد، پس هر دو یعنی مردی که بازن خوابیده است و زن، کشته شوند. پس بدی را از اسرائیل دور کرده‌ای.

۲۳ اگر دختر باکره‌ای به مردی نامزد شود و دیگری او را در شهر یافته، با او همبستر شود، ۲۴ پس هر دو ایشان را نزد دروازه شهر بیرون آورده، ایشان را با سنگها سنگسار کنند تا بمیرند؛ اما دختر را چونکه در شهر بود و فریاد نکرد، و مرد را چونکه زن همسایه خود را ذلیل ساخت، پس بدی را از میان خود دور کرده‌ای.

۲۵ اما اگر آن مرد دختری نامزد را در صحرا یابد و آن مرد به او زور آورده، با او بخوابد، پس آن مرد که با او خوابیده، تنها کشته شود. ۲۶ و اما با دختر هیچ مکن زیرا بر دختر، نگاه مستلزم موت نیست، بلکه این مثل آن است که کسی بر همسایه خود برخاسته، او را بکشد. ۲۷ چونکه او را در صحرا یافت و دختر نامزد فریاد برآورد و برایش رهاننده‌ای نبود.

۲۸ و اگر مردی دختر باکره‌ای را که نامزد نباشد بیابد و او را گرفته، با او همبستر شود و گرفتار شوند، ۲۹ آنکه آن مرد که با او خوابیده است پنجاه مثقال نقره به پدر دختر بدهد و آن دختر زن او باشد، چونکه او را ذلیل ساخته است و در تمامی عمرش نمی تواند او را رها کند. ۳۰ هیچ کس زن پدر خود را نگیرد و دامن پدر خود را منکشف نسازد.

## ۲۳

### ممانعت از حضور در

۱ جماعت خداوند شخصی که کوبیده بیضه و آلت بریده باشد داخل جماعت خداوند نشود.

۲ حرام زاده‌ای داخل جماعت خداوند نشود، حتی تا پشت دهم احدی از او داخل جماعت خداوند نشود. ۳ عمونی و موآبی داخل جماعت خداوند نشوند. حتی تا پشت دهم، احدی از ایشان هرگز داخل جماعت خداوند نشود. ۴ زیرا وقتی که شما از مصر بیرون آمدید، شما را در راه به نان و آب استقبال نکردند، و از این جهت که بلعام بن بعور را از فتور آرام نهرین اجیر کردند تا تو را لعنت کند. ۵ لیکن یهوه خدایت نخواست بلعام را بشنود، پس یهوه خدایت لعنت را به جهت تو، به برکت تبدیل نمود، چونکه یهوه

خدایت تو را دوست می‌داشت. ۶ ابد در تمامی عمرت جوای خیریت و سعادت ایشان مباش. ۷ ادومی را دشمن مدار چونکه برادر توست، و مصری را دشمن مدار چونکه در زمین وی غریب بودی. ۸ اولادی که از ایشان زائیده شوند در پشت سوم داخل جماعت خداوند شوند.

### تقدیس اردو

۹ چون در اردو به مقابله دشمنانت بیرون روی خویشتن را از هر چیز بد نگاه دار.

۱۰ اگر در میان شما کسی باشد که از احتلام شب نجس شود، از اردو بیرون رود و داخل اردو نشود. ۱۱ چون شب نزدیک شود با آب غسل کند، و چون آفتاب غروب کند، داخل اردو شود.

۱۲ و تو را مکانی بیرون از اردو باشد تا به آنجا بیرون روی. ۱۳ و در میان اسباب تو میخی باشد، و چون بیرون می‌نشینی با آن بکن و برگشته، فضله خود را از آن پیوشان. ۱۴ زیرا که یهوه خدایت در میان اردوی تو می‌خرامد تا تو را رهایی داده، دشمنانت را به تو تسلیم نماید، پس اردوی تو مقدس باشد، مبادا چیز پلید را در میان تو دیده، از تو روگرداند.

### احکام مختلف

۱۵ غلامی را که از آقای خود نزد تو بگریزد به آقایش مسپار. ۱۶ با تو در میان تو در مکانی که برگزیند در یکی از شهرهای تو که به نظرش پسند آید، ساکن شود. و بر او جفامنما.

۱۷ از دختران اسرائیل فاحشه‌ای نباشد و از پسران اسرائیل لواطی نباشد. ۱۸ اجرت فاحشه و قیمت سگ را برای هیچ نذری به خانه یهوه خدایت میاور، زیرا که این هر دو نزد یهوه خدایت مکروه است.

۱۹ برادر خود را به سود قرض مده نه به سود نقره و نه به سود آذوقه و نه به سود هر چیزی که به سود داده می‌شود. ۲۰ غریب را می‌توانی به سود قرض بدهی، اما برادر خود را به سود قرض مده تا یهوه خدایت در

زمینی که برای تصرفش داخل آن می‌شوی تو را به هرچه دستت را بر آن درازمی کنی، برکت دهد.

۲۱ چون نذری برای یهوه خدایت می کنی دروفای آن تاخیر ننما، زیرا که یهوه خدایت البته آن را از تو مطالبه خواهد نمود، و برای تو گناه خواهد بود. ۲۲ اما اگر از نذر کردن ابا نمایی، تو را گناه نخواهد بود. ۲۳ آنچه را که از دهانت بیرون آید، هوشیار باش که بجا آوری، موافق آنچه برای یهوه خدایت از اراده خود نذر کرده‌ای و به زبان خود گفته‌ای.

۲۴ چون به تاختستان همسایه خود درآیی، از انگور، هرچه می خواهی به سیری بخور، اما در ظرف خود هیچ مگذار.

۲۵ چون به کشتزار همسایه خود داخل شوی، خوشه‌ها را به دست خود بچین، اما داس بر کشت همسایه خود مگذار.

## ۲۴

۱ چون کسی زنی گرفته، به نکاح خود درآورد، اگر در نظر او پسند نیاید از این که چیزی ناشایسته در او بیابد آنگاه طلاق نامه‌ای نوشته، بدستش دهد، و او را از خانه‌اش رها کند. ۲ و از خانه او روانه شده، برود و زن دیگری شود. ۳ و اگر شوهر دیگر نیز او را مکروه دارد و طلاق نامه‌ای نوشته، به دستش بدهد و او را از خانه‌اش رها کند، یا اگر شوهری دیگر که او را به زنی گرفت، بمیرد، ۴ شوهر اول که او را رها کرده بود، نمی تواند دوباره او را به نکاح خود درآورد. بعد از آن ناپاک شده است، زیرا که این به نظر خداوند مکروه است. پس بر زمینی که یهوه، خدایت، تو را به ملکیت می‌دهد، گناه می‌آورد.

۵ چون کسی زن تازه‌ای بگیرد، در لشکر بیرون نرود، و هیچ کار به او تکلیف نشود، تا یک سال در خانه خود آزاد بماند، و زنی را که گرفته است، مسرور سازد.

۶ هیچکس آسیا یا سنگ بالای آن را به گرونگیرد، زیرا که جان را به گرو گرفته است.

۱۷ اگر کسی یافت شود که یکی از برادران خود از بنی اسرائیل را دزدیده، بر او ظلم کند یا بفروشد، آن دزد کشته شود، پس بدی را از میان خود دور کرده‌ای.

۱۸ درباره بلای برص هوشیار باش که به هر آنچه لایوان کهنه شما را تعلیم دهند به دقت توجه نموده، عمل نمایید، و موافق آنچه به ایشان امر فرمودم، هوشیار باشید که عمل نمایید. ۹ پیادآور که یهوه خدایت در راه با مریم چه کرد، وقتی که شما از مصر بیرون آمدید.

۱۰ چون به همسایه خود هر قسم قرض دهی، برای گرفتن گرو به خانه‌اش داخل مشو. ۱۱ بلکه بیرون بایست تا شخصی که به او قرض می‌دهی گرو را نزد تو بیرون آورد. ۱۲ و اگر مرد فقیر باشد در گرو او بخواب. ۱۳ البته به وقت غروب آفتاب، گرو را به او پس بده، تا در رخت خود بخوابد و تورا برکت دهد و به حضور یهوه خدایت، عدالت شمرده خواهد شد.

۱۴ بر مزدوری که فقیر و مسکین باشد، خواه از برادرانت و خواه از غریبانی که در زمینت در اندرون دروازه‌های تو باشند ظلم منما. ۱۵ در همان روز مزدش را بده، و آفتاب بر آن غروب نکند، چونکه او فقیر است و دل خود را به آن بسته است، مبادا بر تو نزد خداوند فریاد برآورد و برای تو گناه باشد.

۱۶ پدران به عوض پسران کشته نشوند، و نه پسران به عوض پدران خود کشته شوند. هر کس برای نگاه خود کشته شود.

۱۷ داوری غریب و یتیم را منحرف مساز، و جامه بیوه را به گرو مگیر.

۱۸ و پیادآور که در مصر غلام بودی و یهوه، خدایت، تورا از آنجا فدیة داد. بنابراین من تورا امر می‌فرمایم که این کار را معمول داری.

۱۹ چون محصول خود را در مزرعه خویش درو کنی، و در مزرعه، بافه‌ای فراموش کنی، برای برداشتن آن بر مگرد؛ برای غریب و یتیم و بیوه‌زن باشد تا یهوه خدایت تورا در همه کارهای دستت برکت دهد. ۲۰ چون

زیتون خود را بتکانی باردیگر شاخه‌ها را متکان؛ برای غریب و یتیم و بیوه باشد.

۲۱ چون انگور تاکستان خود را بچینی باردیگر آن را چین، برای غریب و یتیم و بیوه باشد. ۲۲ و بیاد آور که در زمین مصر غلام بودی. بنابراین تو را امر می‌فرمایم که این کار را معمول داری.

## ۲۵

۱ اگر در میان مردم مراغه‌ای باشد و به محاکمه آیند و در میان ایشان داوری نمایند، آنگاه عادل را عادل شمارند، و شریر را ملزم سازند. ۲ و اگر شریر مستوجب تازیانه باشد آنگاه داور، او را بخواباند و حکم دهد تا او راموافق شرارتش به حضور خود به شماره بزنند. ۳ چهل تازیانه او را بزند و زیاد نکند، مبادا اگر ازین زیاده کرده، تازیانه بسیار زند، برادرت در نظرتو خوار شود.

۴ دهن گاو را هنگامی که خرمن را خرد می‌کند، میند.

۵ اگر برادران با هم ساکن باشند و یکی از آنها بی اولاد بمیرد، پس زن آن متوفی، خارج به شخص بیگانه داده نشود، بلکه برادر شوهرش به او درآمد، او را برای خود به زنی بگیرد، و حق برادر شوهری را با او بجا آورد. ۶ ونخست زاده‌ای که بزاید به اسم برادر متوفای او وارث گردد، تا اسمش از اسرائیل محو نشود. ۷ و اگر آن مرد به گرفتن زن برادرش راضی نشود، آنگاه زن برادرش به دروازه نزد مشایخ برود و گوید: «برادر شوهر من از بریا داشتن اسم برادر خود در اسرائیل انکار می‌کند، و از بجا آوردن حق برادر شوهری با من ابا می‌نماید.» ۸ پس مشایخ شهرش او را طلبیده، با وی گفتگو کنند، و اگر اصرار کرده، بگویند نمی‌خواهم او را بگیرم، ۹ آنگاه زن برادرش نزد وی آمده، به حضور مشایخ کفش او را از پایش بکند، و به رویش آب دهن اندازد، و در جواب گوید: «با کسی که خانه

برادر خود را بنا نکند، چنین کرده شود.»<sup>۱۰</sup> و نام او در اسرائیل، خانه کفش کنده خوانده شود.

<sup>۱۱</sup> و اگر دو شخص با یکدیگر منازعه نمایند، و زن یکی پیش آید تا شوهر خود را از دست زنده‌اش رها کند و دست خود را دراز کرده، عورت او را بگیرد،<sup>۱۲</sup> پس دست او را قطع کن. چشم تو بر او ترحم نکند.

<sup>۱۳</sup> در کیسه تو وزنه‌های مختلف، بزرگ و کوچک نباشد.<sup>۱۴</sup> در خانه تو کیلهای مختلف، بزرگ و کوچک، نباشد.<sup>۱۵</sup> تو را وزن صحیح و راست باشد و تو را کیل صحیح و راست باشد، تا عمرت در زمینی که یهوه، خدایت، به تومی دهد دراز شود.<sup>۱۶</sup> زیرا هر که این کار کند یعنی هر که بی‌انصافی نماید، نزد یهوه خدایت مکروه است.

<sup>۱۷</sup> پیاد آور آنچه عمالیت وقت بیرون آمدنت از مصر در راه به تو نمودند.

<sup>۱۸</sup> که چگونه تو را در راه، مقابله کرده، همه و اماندگان را در عقب تو از موخرت قطع نمودند، در حالی که تضعیف و امانده بودی و از خدا نترسیدند.<sup>۱۹</sup> پس چون یهوه خدایت تو را در زمینی که یهوه، خدایت، تو را برای تصرفش نصیب می‌دهد، از جمیع دشمنان آرامی ببخشد، آنگاه ذکر عمالیت را از زیر آسمان محو ساز و فراموش مکن.

## ۲۶

### نوبر و دهیک

<sup>۱</sup> و چون به زمینی که یهوه خدایت تو را نصیب می‌دهد داخل شدی، و در آن تصرف نموده، ساکن گردیدی،<sup>۲</sup> آنگاه نوبر تمامی حاصل زمین را که از زمینی که یهوه خدایت به تومی دهد، جمع کرده باشی بگیر، و آن را در سیدگذاشته، به مکانی که یهوه خدایت برگزیند تا نام خود را در آن ساکن گرداند، برو.<sup>۳</sup> و نزد کاهنی که در آن روزها باشد رفته، وی را بگو: «امروز برای یهوه خدایت اقرار می‌کنم که به زمینی که خداوند برای پدران ما قسم خورد که به ما بدهد، داخل شده‌ام.»<sup>۴</sup> و کاهن سبد را

از دست گرفته، پیش مذبح یهوه خدایت بگذارد. <sup>۵</sup> پس تو به حضور یهوه خدای خود اقرار کرده، بگو: «پدر من ارامی آواره بود، و با عددی قلیل به مصر فرود شده، در آنجا غربت پذیرفت، و در آنجا امتی بزرگ و عظیم و کثیر شد. <sup>۶</sup> و مصریان با ما بدرفتاری نموده، ما را ذلیل ساختند، و بندگی سخت بر ما نهادند. <sup>۷</sup> و چون نزد یهوه، خدای پدران خود، فریاد برآوردیم، خداوند آواز ما را شنید و مشقت و محنت و تنگی ما را دید. <sup>۸</sup> و خداوند ما را از مصر به دست قوی و بازوی افراشته و خوف عظیم، و با آیات و معجزات بیرون آورد. <sup>۹</sup> و ما رابه این مکان درآورده، این زمین را زمینی که به شیرو شهید جاری است به ما بخشید. <sup>۱۰</sup> و الان اینک نویر حاصل زمینی را که توای خداوند به من دادی، آورده‌ام.» پس آن را به حضور یهوه خدای خود بگذار، و به حضور یهوه، خدایت، عبادت نما. <sup>۱۱</sup> و تو با لاوی و غریبی که در میان تو باشد از تمامی نیکویی که یهوه، خدایت، به تو و به خاندانت بخشیده است، شادی خواهی نمود.

<sup>۱۲</sup> و در سال سوم که سال عشر است، چون از گرفتن تمامی عشر محصول خود فارغ شدی، آن را به لاوی و غریب و یتیم و بیوه زن بده، تا در اندرون دروازه های تو بخورند و سیر شوند. <sup>۱۳</sup> و به حضور یهوه خدایت بگو: «موقوفات را از خانه خود بیرون کردم، و آنها را نیز به لاوی و غریب و یتیم و بیوه زن، موافق تمامی اوامری که به من امر فرمودی، دادم، و از اوامر تو تجاوز ننموده، فراموش نکردم. <sup>۱۴</sup> در ماتم خود از آنها نخوردم و در نجاستی از آنها صرف ننمودم، و برای اموات از آنها ندادم، بلکه به قول یهوه، خدایم، گوش داده، موافق هر آنچه به من امر فرمودی، رفتار نمودم. <sup>۱۵</sup> از مسکن مقدس خود از آسمان بنگر، و قوم خود اسرائیل و زمینی را که به ما دادی چنانکه برای پدران ما قسم خوردی، زمینی که به شیر و شهید جاری است، برکت بده.»



### نگهداری اوامر خدا

۱۶ امروز یهوه، خدایت، تو را امر می‌فرماید که این فرایض و احکام را بجا آوری، پس آنها را به تمامی دل و تمامی جان خود نگاه داشته، بجا آور. ۱۷ امروز به یهوه اقرار نمودی که خدای توست، و اینکه به طریقه‌های او سلوک خواهی نمود، و فرایض و اوامر و احکام او را نگاه داشته، آواز او را خواهی شنید. ۱۸ و خداوند امروز به تو اقرار کرده است که تو قوم خاص او هستی، چنانکه به تو وعده داده است، و تا تمامی اوامر او را نگاه داری. ۱۹ و تا تو را در ستایش و نام و اکرام از جمیع امتهایی که ساخته است، بلند گرداند، و تا برای یهوه، خدایت، قوم مقدس باشی، چنانکه وعده داده است.

## ۲۷

### مذبح در کوه عیبال

۱ و موسی و مشایخ اسرائیل، قوم را امر فرموده، گفتند: «تمامی اوامری را که من امروز به شما امر می‌فرمایم، نگاه دارید. ۲ و در روزی که از اردن به زمینی که یهوه، خدایت، به تومی دهد عبور کنید، برای خود سنگهای بزرگ برپا کرده، آنها را با گچ بمال. ۳ و بر آنها تمامی کلمات این شریعت را بنویس، هنگامی که عبور نمایی تا به زمینی که یهوه، خدایت، به تومی دهد، داخل شوی، زمینی که به شیر و شهد جاری است، چنانکه یهوه خدای پدرانت به تو وعده داده است. ۴ و چون از اردن عبور نمودی این سنگها را که امروز به شما امر می‌فرمایم در کوه عیبال برپا کرده، آنها را با گچ بمال. ۵ و در آنجا مذبحی برای یهوه خدایت بنا کن، و مذبح از سنگها باشد و آلت آهنین بر آنها بکار مبر. ۶ مذبح یهوه خدای خود را از سنگهای ناتراشیده بنا کن، و قربانی های سوختنی برای یهوه خدایت، بر آن بگذران. ۷ و ذبایح

سلامتی ذبح کرده، در آنجا بخور و به حضور یهوه خدایت شادی نما. <sup>۸</sup> و تمامی کلمات این شریعت را بر آن به خط روشن بنویس.»

### لعنت ها

<sup>۹</sup> پس موسی و لاویان کهنه تمامی اسرائیل را خطاب کرده، گفتند: <sup>۱۰</sup> «ای اسرائیل خاموش باش و بشنو. امروز قوم یهوه خدایت شدی. <sup>۱۱</sup> پس آواز یهوه خدایت را بشنو و اوامر و فریض او را که من امروز به تو امر می فرمایم، بجا آر.»

<sup>۱۲</sup> «چون از اردن عبور کردید، اینان یعنی شمعون و لاوی و یهودا و یساکار و یوسف و بنیامین بر کوه جرزیم بایستند تا قوم را برکت دهند. <sup>۱۳</sup> و اینان یعنی روبین و جاد و اشیر و زبولون و دان و نفتالی بر کوه عیبال بایستند تا نفرین کنند. <sup>۱۴</sup> و لاویان جمیع مردان اسرائیل رابه آواز بلند خطاب کرده، گویند: <sup>۱۵</sup> «ملعون باد کسی که صورت تراشیده یاریخته شده از صنعت دست کارگر که نزد خداوند مکروه است، بسازد، و مخفی نگاه دارد.» و تمامی قوم در جواب بگویند: «آمین!»

<sup>۱۶</sup> «ملعون باد کسی که با پدر و مادر خود به خفت رفتار نماید.» و تمامی قوم بگویند: «آمین!»

<sup>۱۷</sup> «ملعون باد کسی که حد همسایه خود را تغییر دهد.» و تمامی قوم بگویند: «آمین!»

<sup>۱۸</sup> «ملعون باد کسی که نایبنا را از راه منحرف سازد.» و تمامی قوم بگویند: «آمین!»

<sup>۱۹</sup> «ملعون باد کسی که داوری غریب و یتیم و بیوه را منحرف سازد.» و تمامی قوم بگویند: «آمین!»

<sup>۲۰</sup> «ملعون باد کسی که با زن پدر خود همبسترشود، چونکه دامن پدر خود را کشف نموده است.» و تمامی قوم بگویند: «آمین!»

- ۲۱ «ملعون باد کسی که با هر قسم بهایی بخوابد.» و تمامی قوم بگویند:  
«آمین»!
- ۲۲ «ملعون باد کسی که با خواهر خویش چه دختر پدر و چه دختر مادر  
خویش بخوابد.» و تمامی قوم بگویند: «آمین»!
- ۲۳ «ملعون باد کسی که با مادرزن خود بخوابد.» و تمامی قوم بگویند:  
«آمین»!
- ۲۴ «ملعون باد کسی که همسایه خود را در پنهانی بزند.» و تمامی قوم  
بگویند: «آمین»!
- ۲۵ «ملعون باد کسی که رشوه گیرد تا خون بی گاهی ریخته شود.» و  
تمامی قوم بگویند: «آمین»!
- ۲۶ «ملعون باد کسی که کلمات این شریعت را اثبات ننماید تا آنها را بجا  
نیآورد.» و تمامی قوم بگویند: «آمین»!

## ۲۸

## برکت

- ۱ «و اگر آوازیهوه خدای خود را به دقت بشنوی تا هوشیار شده، تمامی  
اوامر او را که من امروز به تو امر می فرمایم بجا آوری، آنگاه یهوه خدایت تو  
را بر جمیع امتهای جهان بلند خواهد گردانید. ۲ و تمامی این برکتها به تو خواهد  
رسید و تو را خواهد دریافت، اگر آوازیهوه خدای خود را بشنوی. ۳ در  
شهر، مبارک و در صحرا، مبارک خواهی بود. ۴ میوه بطن تو و میوه زمین تو  
و میوه بهایت و پچه های گاو و بره های گله تو مبارک خواهند بود. ۵ سبد  
و ظرف خمیر تو مبارک خواهد بود. ۶ وقت درآمدت مبارک، و وقت  
بیرون رفتنت مبارک خواهی بود.
- ۷ «و خداوند دشمنانت را که با تو مقاومت نمایند، از حضور تو منهزم  
خواهد ساخت، از یک راه بر تو خواهند آمد، و از هفت راه پیش تو خواهند  
گریخت. ۸ خداوند در انبارهای تو و به هر چه دست خود را به آن دراز

می کنی بر تو برکت خواهد فرمود، و تو را در زمینی که یهوه خدایت به تو می دهد، مبارک خواهد ساخت. <sup>۹</sup> و اگر او امر یهوه خدای خود را نگاهداری، و در طریقهای او سلوک نمایی، خداوند تو را برای خود قوم مقدس خواهد گردانید، چنانکه برای تو قسم خورده است. <sup>۱۰</sup> و جمیع امتهای زمین خواهند دید که نام خداوند بر تو خوانده شده است، و از تو خواهند ترسید. <sup>۱۱</sup> و خداوند تو را در میوه بطنت و ثمره بهایمت و محصول زمینت، در زمینی که خداوند برای پدرانت قسم خورد که به تو بدهد، به نیکویی خواهد افزود. <sup>۱۲</sup> و خداوند خزینه نیکوی خود، یعنی آسمان را برای تو خواهد گشود، تا باران زمین تو را در موسمش بباراند، و تو را در جمیع اعمال دستت مبارک سازد، و به امتهای بسیار قرض خواهی داد، و تو قرض نخواهی گرفت. <sup>۱۳</sup> و خداوند تو را سر خواهد ساخت نه دم، و بلند خواهی بود فقط نه پست، اگر او امر یهوه خدای خود را که من امروز به تو امر می فرمایم بشنوی، و آنها را نگاه داشته، بجا آوری. <sup>۱۴</sup> و از همه سخنانی که من امروز به تو امر می کنم به طرف راست یا چپ میل نکنی، تا خدایان غیر را پیروی نموده، آنها را عبادت کنی.

### لعنت

<sup>۱۵</sup> «و اما اگر آواز یهوه خدای خود را نشنوی تا هوشیار شده، همه او امر و فرایض او را که من امروز به تو امر می فرمایم بجا آوری، آنگاه جمیع این لعنتها به تو خواهد رسید، و تو را خواهد دریافت. <sup>۱۶</sup> در شهر ملعون، و در صحرا ملعون خواهی بود. <sup>۱۷</sup> سبب و ظرف خمیر تو ملعون خواهد بود. <sup>۱۸</sup> میوه بطن تو و میوه زمین تو و بچه های گاو و بره های گله تو ملعون خواهد بود. <sup>۱۹</sup> وقت درآمدنت ملعون، و وقت بیرون رفتنت ملعون خواهی بود. <sup>۲۰</sup> و به هر چه دست خود را برای عمل نمودن دراز می کنی خداوند بر تو لعنت و اضطراب و سرزنش خواهد فرستاد تا به زودی هلاک و نابود شوی، به سبب بدی کارهایت که به آنها مرا ترک کرده ای، <sup>۲۱</sup> خداوند و با را بر تو مصلحت خواهد ساخت، تا تو را از زمینی که برای تصرفش به آن

داخل می‌شوی، هلاک سازد. ۲۲ و خداوند تو را با سل و تب و التهاب و حرارت و شمشیر و باد سموم و یرقان خواهد زد، و تو را تعاقب خواهند نمود تا هلاک شوی. ۲۳ و فلک تو که بالای سر تو است مس خواهد شد، و زمینی که زیر تو است آهن. ۲۴ و خداوند باران زمینت را گرد و غبار خواهد ساخت، که از آسمان بر تو نازل شود تا هلاک شوی.

۲۵ «و خداوند تو را پیش روی دشمنانت منہزم خواهد ساخت. از یک راه بر ایشان بیرون خواهی رفت، و از هفت راه از حضور ایشان خواهی گریخت، و در تمامی ممالک جهان به تلاطم خواهی افتاد. ۲۶ و بدن شما برای همه پرندگان هوا و بهایم زمین خوراک خواهد بود، و هیچ کس آنها را دور نخواهد کرد. ۲۷ خداوند تو را به دنبل مصر و خراج و جرب و خارشی که تواز آن شفا نتوانی یافت، مبتلا خواهد ساخت. ۲۸ خداوند تو را به دیوانگی و نابینایی و پریشانی دل مبتلا خواهد ساخت. ۲۹ و در وقت ظهر مثل کوری که در تاریکی لمس نماید کورانه راه خواهی رفت، و در راههای خود کامیاب نخواهی شد، بلکه در تمامی روزهایت مظلوم و غارت شده خواهی بود، و نجات دهنده‌ای نخواهد بود. ۳۰ زنی را نامزد خواهی کرد و دیگری با او خواهد خوابید. خانه‌ای بنا خواهی کرد و در آن ساکن نخواهی شد. تاکستانی غرس خواهی نمود و میوه‌اش را نخواهی خورد. ۳۱ گاو در نظرت کشته شود و از آن نخواهی خورد. الاغت پیش روی تو به غارت برده شود و باز به دست تو نخواهند آمد. گوسفند تو به دشمنت داده می‌شود و برای تو رهاکننده‌ای نخواهد بود. ۳۲ پسران و دخترانت به امت دیگر داده می‌شوند، و چشمانت نگریسته از آرزوی ایشان تمامی روز کاهیده خواهد شد، و در دست تو هیچ قوه‌ای نخواهد بود. ۳۳ میوه زمینت و مشقت تو را امتی که نشناخته‌ای، خواهند خورد، و همیشه فقط مظلوم و کوفته شده خواهی بود. ۳۴ به حدی که از چیزهایی که چشمت می‌بیند، دیوانه خواهی شد. ۳۵ خداوند زانوها و ساقها و از کف پا تا فرق سر تو را به دنبل بد که از آن شفانتوانی یافت، مبتلا خواهد ساخت. ۳۶ خداوند

تورا و پادشاهی را که بر خود نصب می‌نمایی، بسوی امتی که تو و پدرانت نشناخته‌اید، خواهد برد، و در آنجا خدایان غیر را از چوب و سنگ عبادت خواهی کرد. ۳۷ و در میان تمامی امتهایی که خداوند شما را به آنجا خواهد برد، عبرت و مثل و سخریه خواهی شد.

۳۸ «تخم بسیار به مزرعه خواهی برد، و اندکی جمع خواهی کرد چونکه ملخ آن را خواهد خورد. ۳۹ تا کستانها غرس نموده، خدمت آنها را خواهی کرد، اما شراب را نخواهی نوشید و انگور را نخواهی چید، زیرا کرم آن را خواهد خورد. ۴۰ تو را در تمامی حدودت درختان زیتون خواهد بود، لکن خویشتن را به زیت تدهین نخواهی کرد، زیرا زیتون تو نارس ریخته خواهد شد. ۴۱ پسران و دختران خواهی آورد، لیکن ازان تو نخواهند بود، چونکه به اسیری خواهند رفت. ۴۲ تمامی درختانت و محصول زمینت را ملخ به تصرف خواهد آورد. ۴۳ غریبی که در میان تو است بر تو به نهایت رفیع و برافراشته خواهد شد، و تو به نهایت پست و متنزل خواهی گردید. ۴۴ او به تو قرض خواهد داد و تو به او قرض نخواهی داد، او سر خواهد بود و تو دم خواهی بود.

۴۵ «و جمیع این لعنتها به تو خواهد رسید، و تو را تعاقب نموده، خواهد دریافت تا هلاک شوی، از این جهت که قول یهوه خدایت را گوش ندادی تا او امر و فریضی را که به تو امر فرموده بود، نگاه داری. ۴۶ و تو را و ذریت تو را تا به ابدایت و شگفت خواهد بود.

۴۷ «از این جهت که یهوه خدای خود را به شادمانی و خوشی دل برای فراوانی همه چیز عبادت نمودی. ۴۸ پس دشمنانت را که خداوند بر تو خواهد فرستاد در گرسنگی و تشنگی و برهنگی و احتیاج همه چیز خدمت خواهی نمود، و یوغ آهنین بر گردنت خواهد گذاشت تا تو را هلاک سازد. ۴۹ و خداوند از دور، یعنی از اقصای زمین، امتی را که مثل عقاب می‌پرد بر تو خواهد آورد، امتی که زبانش را نخواهی فهمید.

۵۰ امتی مهیب صورت که طرف پیران را نگاه ندارد و بر جوانان ترحم

نماید. ۵۱ و نتایج بهایم و محصول زمین را بخورد تا هلاک شوی. و برای تو نیز غله و شیر و روغن و بچه های گاو و بره های گوسفند را باقی نگذارد تا تو را هلاک سازد. ۵۲ و تو را در تمامی دروازه های محاصره کند تا دیواره های بلند و حصین که بر آنها توکل داری در تمامی زمین منهدم شود، و تو را در تمامی دروازه های، در تمامی زمینی که یهوه خدایت به تو می دهد، محاصره خواهد نمود. ۵۳ و میوه بطن خود، یعنی گوشت پسران و دخترانت را که یهوه خدایت به تو می دهد در محاصره و تنگی که دشمنانت تو را به آن زبون خواهند ساخت، خواهی خورد. ۵۴ مردی که در میان شما نرم و بسیار متنعم است، چشمش بر برادر خود و زن هم آغوش خویش و بقیه فرزندان او که باقی می ماندند بد خواهد بود. ۵۵ به حدی که به احدی از ایشان از گوشت پسران خود که می خورد نخواهد داد زیرا که در محاصره و تنگی که دشمنانت تو را در تمامی دروازه های به آن زبون سازند، چیزی برای او باقی نخواهد ماند. ۵۶ و زنی که در میان شما نازک و متنعم است که به سبب تنعم و نازکی خود جرات نمی کرد که کف پای خود را به زمین بگذارد، چشم او بر شوهر هم آغوش خود و پسر و دختر خویش بد خواهد بود. ۵۷ و بر مشیمه ای که از میان پایهای او درآید و بر اولادی که بزاید زیرا که آنها را به سبب احتیاج همه چیز در محاصره و تنگی که دشمنانت در دروازه های به آن تو را زبون سازند به پنهانی خواهد خورد.»

۵۸ اگر به عمل نمودن تمامی کلمات این شریعت که در این کتاب مکتوب است، هوشیار نشوی و از این نام مجید و مهیب، یعنی یهوه، خدایت، نترسی، ۵۹ آنگاه خداوند بلایای تو و بلایای اولاد تو را عجیب خواهد ساخت، یعنی بلایای عظیم و مزمن و مرضهای سخت و مزمن. ۶۰ و تمامی بیماریهای مصر را که از آنها می ترسیدی بر تو باز خواهد آورد و به تو خواهد چسبید. ۶۱ و نیز همه مرضها و همه بلایایی که در طومار این شریعت مکتوب نیست آنها را خداوند بر تو مستولی خواهد گردانید تا هلاک شوی. ۶۲ و گروه قلیل خواهید

ماند، برعکس آن که مثل ستارگان آسمان کثیر بودید، زیرا که آواز یهوه خدای خود را نشنیدید. ۶۳ و واقع می‌شود چنانکه خداوند بر شما شادی نمود تا به شما احسان کرده، شما را بیفزاید همچنین خداوند بر شما شادی خواهد نمود تا شما را هلاک و نابود گرداند، و ریشه شما از زمینی که برای تصرفش در آن داخل می‌شوید کنده خواهد شد. ۶۴ و خداوند تو را در میان جمیع امتهای آن کران زمین تا کران دیگرش پراکنده سازد و در آنجا خدایان غیر را از چوب و سنگ که تو و پدرانت نشناخته‌اید، عبادت خواهی کرد. ۶۵ و در میان این امتهای استراحت نخواهی یافت و برای کف پایت آرامی نخواهد بود، و در آنجا یهوه تو را دل لرزان و کاهیدگی چشم و پشیمانی جان خواهد داد. ۶۶ و جان تو پیش رویت معلق خواهد بود، و شب و روز ترسناک شده، به جان خود اطمینان نخواهی داشت. ۶۷ بامدادان خواهی گفت: کاش که شام می‌بود، و شامگاهان خواهی گفت: کاش که صبح می‌بود، به سبب ترس دلت که به آن خواهی ترسید، و به سبب رویت چشمت که خواهی دید. ۶۸ و خداوند تو را در کشتیهای از راهی که به تو گفتم آن را دیگر نخواهی دید به مصر باز خواهد آورد، و خود را در آنجا به دشمنان خویش برای غلامی و کنیزی خواهید فروخت و مشتری نخواهد بود.»

## ۲۹

## نگه داشتن احکام خداوند

۱ این است کلمات عهدی که خداوند در زمین موآب به موسی امر فرمود که بابنی اسرائیل ببندد، سوای آن عهد که با ایشان در حوریب بسته بود.  
 ۲ و موسی تمامی اسرائیل را خطاب کرده، به ایشان گفت: «هرآنچه خداوند در زمین مصر با فرعون و جمیع بندگانش و تمامی زمینش عمل نمود، شما دیده‌اید. ۳ تجربه‌های عظیم که چشمان تو دید و آیات و آن معجزات عظیم. ۴ اما خداوند دلی را که بدانید و چشمانی را که ببینید و گوشهایی



را که بشنوید تا امروز به شما نداده است. <sup>۵</sup> و شما را چهل سال در بیابان رهبری نمودم که لباس شما مندرس نگردید، و کفشها دریای شما پاره نشد. <sup>۶</sup> نان نخورده و شراب و مسکرت ننوشیده‌اید، تا بدانید که من یهوه خدای شما هستم. <sup>۷</sup> و چون به اینجا رسیدید، سیحون، ملک حبشون، و عوج، ملک باشان، به مقابله شما برای جنگ بیرون آمدند و آنها را مغلوب ساختیم. <sup>۸</sup> و زمین ایشان را گرفته، به روپینیان و جادیان و نصف سبط منسی به ملکیت دادیم. <sup>۹</sup> پس کلهات این عهد را نگاه داشته، بجا آورید تا در هرچه کنید کامیاب شوید.

<sup>۱۰</sup> «امروز جمیع شما به حضور یهوه، خدای خود حاضرید، یعنی روسای شما و اسباط شما و مشایخ شما و سروران شما و جمیع مردان اسرائیل. <sup>۱۱</sup> و اطفال و زنان شما و غریبی که در میان اردوی شماست از هیزم شکنان تا آب کشان شما. <sup>۱۲</sup> تا در عهد یهوه خدایت و سوگند او که یهوه خدایت امروز با تو استوار می‌سازد، داخل شوی. <sup>۱۳</sup> تا تو را امروز برای خود قومی برقرار دارد، و او خدای تو باشد چنانکه به تو گفته است، و چنانکه برای پدرانت، ابراهیم و اسحاق و یعقوب، قسم خورده است. <sup>۱۴</sup> و من این عهد و این قسم را با شما تنها استوار نمی‌نمایم. <sup>۱۵</sup> بلکه با آنانی که امروز با ما به حضور یهوه خدای ما در اینجا حاضرند، و هم با آنانی که امروز با ما در اینجا حاضر نیستند. <sup>۱۶</sup> زیرا شما می‌دانید که چگونه در زمین مصر سکونت داشتیم، و چگونه از میان امتهایی که عبور نمودید، گذشتیم. <sup>۱۷</sup> و رجاسات و بتهای ایشان را از چوب و سنگ و نقره و طلا که در میان ایشان بود، دیدید. <sup>۱۸</sup> تا در میان شما مرد یا زن یا قبیله یا سبطی نباشد که دلش امروز از یهوه خدای ما منحرف گشته، برود و خدایان این طوایف را عبادت نماید، مبادا در میان شما ریشه‌ای باشد که حنظل و افسنتین بار آورد.

<sup>۱۹</sup> «و مبادا چون سخنان این لعنت را بشنود در دلش خویشتن را برکت داده، گوید: هر چند در سختی دل خود سلوک می‌نمایم تا سیراب و تشنه را

با هم هلاک سازم، مرا سلامتی خواهد بود. ۲۰ خداوند او را نخواهد آمرزید، بلکه در آن وقت خشم و غیرت خداوند بر آن شخص دودافشان خواهد شد، و تمامی لعنتی که در این کتاب مکتوب است، بر آن کس نازل خواهد شد، و خداوند نام او را از زیر آسمان محو خواهد ساخت. ۲۱ و خداوند او را از جمیع اسباط اسرائیل برای بدی جدا خواهد ساخت، موافق جمیع لعنتهای عهدی که در این طومار شریعت مکتوب است. ۲۲ و طبقه آینده یعنی فرزندان شما که بعد از شما خواهند برخاست، و غریبانی که از زمین دور می‌آیند، خواهند گفت: هنگامی که بلایای این زمین و بیماریهایی که خداوند به آن می‌رساند ببینند. ۲۳ و تمامی زمین آن را که کبریت و شوره و آتش شده، نه کاشته می‌شود و نه حاصل می‌روید و هیچ علف در آن نمومی کند و مثل انقلاب سدوم و عموره و ادمه صبوئیم که خداوند در غضب و خشم خود آنها را واژگون ساخت، گشته است. ۲۴ پس جمیع امتها خواهند گفت: چرا خداوند با این زمین چنین کرده است و شدت این خشم عظیم از چه سبب است؟ ۲۵ آنگاه خواهند گفت: از این جهت که عهد یهوه خدای پدران خود را که به وقت بیرون آوردن ایشان از زمین مصر با ایشان بسته بود، ترک کردند. ۲۶ و رفته، خدایان غیر را عبادت نموده، به آنها سجده کردند، خدایانی را که نشناخته بودند و قسمت ایشان نساخته بود. ۲۷ پس خشم خداوند بر این زمین افروخته شده، تمامی لعنت را که در این کتاب مکتوب است، بر آن آورد. ۲۸ و خداوند ریشه ایشان را به غضب و خشم و غیض عظیم، از زمین ایشان کند و به زمین دیگر انداخت، چنانکه امروز شده است. ۲۹ چیزهای مخفی از آن یهوه خدای ماست و اما چیزهای مکشوف تا به ابد از آن ما و فرزندان ما است، تا جمیع کلمات این شریعت را به عمل آوریم.

### برای بازگشت بسوی خدا

۱ و چون جمیع این چیزها، یعنی برکت و لعنتی که پیش روی تو گذاشتم بر تو عارض شود، و آنها را در میان جمیع امتهایی که یهوه، خدایت، تو را به آنجا خواهد راند، پیادآوری. ۲ و تو با فرزندان با تمامی دل و تمامی جان خود به سوی یهوه خدایت بازگشت نموده، قول او را موافق هرآنچه که من امروز به تو امر می فرمایم، اطاعت نمایی. ۳ آنگاه یهوه خدایت اسیری تو را برگردانیده، بر تو ترحم خواهد کرد، و رجوع کرده، تو را از میان جمیع امتهایی که یهوه، خدایت، تو را به آنجا پراکنده کرده است، جمع خواهد نمود. ۴ اگر آوارگی تو تا کران آسمان بشود، یهوه، خدایت، تو را از آنجا جمع خواهد کرد و تو را از آنجا خواهد آورد. ۵ و یهوه، خدایت، تو را به زمینی که پدران مالک آن بودند خواهد آورد، و مالک آن خواهی شد، و بر تو احسان نموده، تو را بیشتر از پدران خواهد افزود.

۶ «و یهوه خدایت دل تو و دل ذریه تو را مختون خواهد ساخت تا یهوه خدایت را به تمامی دل و تمامی جان خود دوست داشته، زنده بمانی. ۷ و یهوه خدایت جمیع این لعنتها را بردشمنان و بر خصمانت که تو را آزرده، نازل خواهد گردانید. ۸ و تو بازگشت نموده، قول خداوند را اطاعت خواهی کرد، و جمیع اوامر او را که من امروز به تو امر می فرمایم، بجا خواهی آورد. ۹ و یهوه، خدایت، تو را در تمامی اعمال دست و در میوه بطن و نتایج بهایمت و محصول زمین به نیکویی خواهد افزود، زیرا خداوند بار دیگر بر تو برای نیکویی شادی خواهد کرد، چنانکه بر پدران تو شادی نمود. ۱۰ اگر آواز یهوه خدای خود را اطاعت نموده، اوامر و فرایض او را که در طومار این شریعت مکتوب است، نگاه داری، و به سوی یهوه، خدای خود، با تمامی دل و تمامی جان بازگشت نمایی.

### حیات و موت

۱۱ «زیرا این حکمی که من امروز به تو امر می فرمایم، برای تو مشکل نیست و از تو دور نیست. ۱۲ نه در آسمان است تا بگویی کیست که به آسمان برای ما صعود کرده، آن را نزد ما بیاورد و آن را به ما بشنوند تا به عمل آوریم. ۱۳ و نه آن طرف دریا که بگویی کیست که برای ما به آنطرف دریا عبور کرده، آن را نزد ما بیاورد و به ما بشنوند تا به عمل آوریم. ۱۴ بلکه این کلام، بسیار نزدیک توست و در دهان و دل توست تا آن را بجا آوری.»

۱۵ «بین امروز حیات و نیکویی و موت و بدی را پیش روی تو گذاشتم. ۱۶ چونکه من امروز تورا امر می فرمایم که یهوه خدای خود را دوست بداری و در طریقهای او رفتار نمایی، و او امر و فرایض و احکام او را نگاه داری تا زنده مانده، افزوده شوی، و تا یهوه، خدایت، تو را در زمینی که برای تصرفش به آن داخل می شوی، برکت دهد. ۱۷ لیکن اگر دل تو برگردد و اطاعت نمایی و فریفته شده، خدایان غیر را بعبده و عبادت نمایی، ۱۸ پس امروز به شما اطلاع می دهم که البته هلاک خواهید شد، و در زمینی که از اردن عبور می کنید تا در آن داخل شده، تصرف نمائید، عمر طولیل نخواهید داشت. ۱۹ امروز آسمان و زمین را بر شما شاهد می آورم که حیات و موت و برکت و لعنت را پیش روی تو گذاشتم، پس حیات را برگزین تا تو با ذریت زنده بمانی. ۲۰ و تا یهوه خدای خود را دوست بداری و آواز او را بشنوی و با او ملصق شوی، زیرا که او حیات تو و درازی عمر توست تا در زمینی که خداوند برای پدرانت، ابراهیم و اسحاق و یعقوب، قسم خورد که آن را به ایشان بدهد، ساکن شوی.»

۱ و موسی رفته، این سخنان را به تمامی اسرائیل بیان کرد،<sup>۲</sup> و به ایشان گفت: «من امروز صد و بیست ساله هستم و دیگر طاقت خروج و دخول ندارم، و خداوند به من گفته است که از این اردن عبور نخواهی کرد. <sup>۳</sup> یهوه خدای تو، خود به حضور تو عبور خواهد کرد، و او این امته را از حضور تو هلاک خواهد ساخت، تا آنها را به تصرف آوری، و یوشع نیز پیش روی تو عبور خواهد نمود چنانکه خداوند گفته است. <sup>۴</sup> و خداوند چنانکه به سیحون و عوج، دو پادشاه اموریان، که هلاک ساخت و به زمین ایشان عمل نمود به اینها نیز رفتار خواهد کرد. <sup>۵</sup> پس چون خداوند ایشان را به دست شما تسلیم کند شما بایشان موافق تمامی حکمی که به شما امر فرمودم، رفتار نمائید. <sup>۶</sup> قوی و دلیر باشید و از ایشان ترسان و هراسان مباشید، زیرا یهوه، خدایت، خود با تومی رود و تو را و نخواهد گذاشت و ترک نخواهد نمود.»

۷ و موسی یوشع را خوانده، در نظر تمامی اسرائیل به او گفت: «قوی و دلیر باش زیرا که تو با این قوم به زمینی که خداوند برای پدران ایشان قسم خورد که به ایشان بدهد داخل خواهی شد، و تو آن را برای ایشان تقسیم خواهی نمود. <sup>۸</sup> و خداوند خود پیش روی تومی رود او با تو خواهد بود و تو را و نخواهد گذاشت و ترک نخواهد نمود پس ترسان و هراسان مباش.»

### قرائت تورات

۹ و موسی این تورات را نوشته، آن را به بنی لاوی کهنه که تابوت عهد خداوند را برمی داشتند و به جمیع مشایخ اسرائیل سپرد. <sup>۱۰</sup> و موسی ایشان را امر فرموده، گفت: «که در آخر هر هفت سال، در وقت معین سال انفکاک در عید خیمه‌ها، <sup>۱۱</sup> چون جمیع اسرائیل بیایند تا به حضور یهوه خدای تو در مکانی که او برگزیند حاضر شوند، آنگاه این تورات را پیش جمیع اسرائیل در سمع ایشان بخوان. <sup>۱۲</sup> قوم را از مردان و زنان و اطفال و غریبانی که در دروازه های تو باشند جمع کن تا بشنوند، و تعلیم یافته،

از یهوه خدای شما بترسند و به عمل نمودن جمیع سخنان این تورات هوشیار باشند. ۱۳ و تا پسران ایشان که ندانسته‌اند، بشنوند، و تعلیم یابند، تامادامی که شما بر زمینی که برای تصرفش از اردن عبور می‌کنید زنده باشید، از یهوه خدای شما بترسند.»

### پیشگویی سرکشی اسرائیل

۱۴ و خداوند به موسی گفت: «اینک ایام مردن تو نزدیک است، یوشع را طلب نما و در خیمه اجتماع حاضر شوید تا او را وصیت نمایم.» پس موسی و یوشع رفته، در خیمه اجتماع حاضر شدند. ۱۵ و خداوند در ستون ابر در خیمه ظاهر شد و ستون ابر، بر در خیمه ایستاد.

۱۶ و خداوند به موسی گفت: «اینک با پدران خود می‌خواهی و این قوم برخاسته، در پی خدایان بیگانه زمینی که ایشان به آنجا در میان آنها می‌روند، زنا خواهند کرد و مرا ترک کرده، عهدی را که با ایشان بستم خواهند شکست. ۱۷ و در آن روز، خشم من بر ایشان مشتعل شده، ایشان را ترک خواهم نمود، و روی خود را از ایشان پنهان کرده، تلف خواهند شد، و بدیها و تنگیهای بسیار به ایشان خواهد رسید، به حدی که در آن روز خواهند گفت: «آیا این بدیها به ما نرسید از این جهت که خدای ما در میان ما نیست؟» ۱۸ و به سبب تمامی بدی که کرده‌اند که به سوی خدایان غیر برگشته‌اند من در آن روز البته روی خود را پنهان خواهم کرد. ۱۹ پس الان این سرود را برای خود بنویسید و تو آن را به بنی اسرائیل تعلیم داده، آن را در دهان ایشان بگذار تا این سرود برای من بر بنی اسرائیل شاهد باشد. ۲۰ زیرا چون ایشان را به زمینی که برای پدران ایشان قسم خورده بودم که به شیر و شهد جاری است، درآورده باشم، و چون ایشان خورده، و سیر شده، و فربه گشته باشند، آنگاه ایشان به سوی خدایان غیر برگشته، آنها را عبادت خواهند نمود، و مرا هانت کرده، عهد مرا خواهند شکست. ۲۱ و چون بدیها و تنگیهای بسیار بر ایشان عارض شده باشد، آنگاه این سرود مثل

شاهد پیش روی ایشان شهادت خواهد داد، زیرا که از دهان ذریت ایشان فراموش نخواهد شد، زیرا خیالات ایشان را نیز که امروز دارند می‌دانم، قبل از آن که ایشان را به زمینی که درباره آن قسم خوردم، درآورم.»<sup>۲۲</sup> پس موسی این سرود را در همان روز نوشته، به بنی اسرائیل تعلیم داد.

<sup>۲۳</sup> ویوشع بن نون را وصیت نموده، گفت: «قوی و دلیر باش زیرا که تو بنی اسرائیل را به زمینی که برای ایشان قسم خوردم داخل خواهی ساخت، و من با تو خواهم بود.»

<sup>۲۴</sup> و واقع شد که چون موسی نوشتن کلمات این تورات را در کتاب، تمام به انجام رسانید،<sup>۲۵</sup> موسی به لایوانی که تابوت عهد خداوند را برمی داشتند وصیت کرده، گفت: <sup>۲۶</sup> «این کتاب تورات را بگیرید و آن را در پهلوئی تابوت عهدیهوه، خدای خود، بگذارید تا در آنجا برای شما شاهد باشد.»<sup>۲۷</sup> زیرا که من ترمرد و گردن کثی شمارا می‌دانم، اینک امروز که من هنوز با شما زنده هستم بر خداوند فتنه انگیزخته‌اید، پس چند مرتبه زیاده بعد از وفات من.<sup>۲۸</sup> جمیع مشایخ اسباط و سروران خود را نزد من جمع کنید تا این سخنان را در گوش ایشان بگویم، و آسمان و زمین را برایشان شاهد بگیرم.<sup>۲۹</sup> زیرا می‌دانم که بعد از وفات من خویشتن را بالکل فاسد گردانیده، از طریقی که به شما امر فرمودم خواهید برگشت، و در روزهای آخر بدی بر شما عارض خواهد شد، زیرا که آنچه در نظر خداوند بد است خواهید کرد، و از اعمال دست خود، خشم خداوند را به هیجان خواهید آورد.»

<sup>۳۰</sup> پس موسی کلمات این سرود را در گوش تمامی جماعت اسرائیل تمام گفت: سرود موسی ای آسمان گوش بگیر تا بگویم.

۲ تعلیم من مثل باران خواهد بارید. و کلام من مثل شبنم خواهد ریخت. مثل قطره های باران بر سبزه تازه، و مثل بارشها بر نباتات.

۳ زیرا که نام یهوه را ندا خواهیم کرد. خدای ما رابه عظمت وصف نماید.

۴ او صخره است و اعمال او کامل. زیرا همه طریقه های او انصاف است. خدای امین و از ظلم مبرا. عادل و راست است او.

۵ ایشان خود را فاسد نموده، فرزندان او نیستند بلکه عیب ایشانند. طبقه کج و متمردند.

۶ آیا خداوند را چنین مکافات می دهید، ای قوم احمق و غیر حکیم. آیا او پدر و مالک تو نیست. او تو را آفرید و استوار نمود.

۷ ایام قدیم را بیاد آور. در سالهای دهر به دهر تا مل نما. از پدر خود پیرس تا تو را آگاه سازد. و از مشایخ خویش تا تو را اطلاع دهند.

۸ چون حضرت اعلی به امتهای نصیب ایشان را داد و بنی آدم را منتشر ساخت، آنگاه حدود امتهای را قرار داد، بر حسب شماره بنی اسرائیل.

۹ زیرا که نصیب یهوه قوم وی است. و یعقوب قرعه میراث اوست.

۱۰ او را در زمین ویران یافت. و در بیابان خراب و هولناک. او را احاطه کرده، منظور داشت. و او را مثل مردمک چشم خود محافظت نمود.

۱۱ مثل عقابی که آشیانه خود را حرکت دهد. و بچه های خود را فرو گیرد. و بالهای خود را پهن کرده، آنها را بردارد. و آنها را بر پرهای خود ببرد.

۱۲ همچنین خداوند تنها او را رهبری نمود. و هیچ خدای بیگانه با وی نبود.

۱۳ او را بر بلندیه های زمین سوار کرد تا از محصولات زمین بخورد. و شهد را از صخره به اوداد تا مکید. و روغن را از سنگ خارا.

۱۴ کره گاو و شیر گوسفندان را با پیه بره ها و قوچها را از جنس باشان و بزها. و پیه گرده های گندم را. و شراب از عصیر انگور نوشیدی.



۱۵ لیکن یسورون فربه شده، لگد زد. تو فربه و تنومند و چاق شده‌ای. پس خدایی را که او را آفریده بود، ترک کرد. و صخره نجات خود را حقیر شمرد.

۱۶ او را به خدایان غریب به غیرت آوردند. و خشم او را به رجاسات جنبش دادند.

۱۷ برای دیوهایی که خدایان نبودند، قربانی گذرانیدند، برای خدایانی که نشناخته بودند، برای خدایان جدید که تازه به وجود آمده، و پدران ایشان از آنها نترسیده بودند.

۱۸ و به صخره‌ای که تو را تولید نمود، اعتنا نمودی. و خدای آفریننده خود را فراموش کردی.

۱۹ چون بیوه این را دید ایشان را مکروه داشت. چونکه پسران و دخترانش خشم او را به هیجان آوردند.

۲۰ پس گفت روی خود را از ایشان خواهم پوشید. تا ببینم که عاقبت ایشان چه خواهد بود.

زیرا طبقه بسیار گردن کشند. و فرزندان که امانتی در ایشان نیست. ۲۱ ایشان مرا به آنچه خدا نیست به غیرت آوردند. و به اباطیل خود مرا خشمناک گردانیدند. و من ایشان را به آنچه قوم نیست به غیرت خواهم آورد. و به امت باطل، ایشان را خشمناک خواهم ساخت.

۲۲ زیرا آتشی در غضب من افروخته شده. و تهاویه پایین‌ترین شعله‌ور شده است. و زمین را با حاصلش می‌سوزاند. و اساس کوهها را آتش خواهد زد.

۲۳ بر ایشان بلایا را جمع خواهم کرد. و تیره‌های خود را تمام بر ایشان صرف خواهم نمود.

۲۴ از گرسنگی کاهیده، و از آتش تب، و از وبای تلخ تلف می‌شوند. و دندانهای وحوش را به ایشان خواهم فرستاد، با زهر خزندگان زمین.

۲۵ شمشیر از بیرون و دهشت از اندرون. ایشان را بی اولاد خواهد ساخت. هم جوان و هم دوشیزه را. شیرخواره را با ریش سفید هلاک خواهد کرد.

۲۶ می گفتم ایشان را پراکنده کنم و ذکر ایشان را از میان مردم، باطل سازم.

۲۷ اگر از کینه دشمن نمی ترسیدم که مبادا مخالفان ایشان برعکس آن فکر کنند، و بگویند دست ما بلند شده، و یهوه همه این را نکرده است.

۲۸ زیرا که ایشان قوم گم کرده تدبیر هستند. و در ایشان بصیرتی نیست.

۲۹ کاش که حکیم بوده، این را می فهمیدید. و در عاقبت خود تامل می نمودند.

۳۰ چگونه یک نفر هزار را تعاقب می کرد. و دو نفرده هزار را منہزم می ساختند. اگر صخره ایشان، ایشان را نفروخته. و خداوند، ایشان را تسلیم نموده بود.

۳۱ زیرا که صخره ایشان مثل صخره ما نیست. اگرچه هم دشمنان ما خود، حکم باشند.

۳۲ زیرا که مو ایشان از موهای سدوم است، و از تاکستانهای عموره. انگورهای ایشان انگورهای حنظل است، و خوشه های ایشان تلخ است.

۳۳ شراب ایشان زهر اژدرهاست. و سم قاتل افعی. ۳۴ آیا این نزد من مکنون نیست. و در خزانه های من محتوم نی.

۳۵ انتقام و جزا از آن من است، هنگامی که پایهای ایشان بلغزد، زیرا که روز هلاکت ایشان نزدیک است و قضای ایشان می شتابد.

۳۶ زیرا خداوند، قوم خود را داوری خواهد نمود. و بر بندگان خویش شفقت خواهد کرد. چون می بیند که قوت ایشان نابود شده، و هیچکس چه غلام و چه آزاد باقی نیست.

۳۷ و خواهد گفت: خدایان ایشان بجایند، و صخره‌ای که بر آن اعتماد می‌داشتند. ۳۸ که پیه قربانی‌های ایشان را می‌خوردند. و شراب هدایای ریختنی ایشان را می‌نوشیدند. آنها برخاسته، شما را امداد کنند. و برای شما ملجأ باشند.

۳۹ الان ببینید که من خود، او هستم. و با من خدای دیگری نیست. من می‌میرانم و زنده می‌کنم. مجروح می‌کنم و شفا می‌دهم. و از دست من رهانده‌ای نیست.

۴۰ زیرا که دست خود را به آسمان برمی‌افرازم، می‌گویم که من تا ابد الابد زنده هستم.

۴۱ اگر شمشیر براق خود را تیز کنم. و قصاص را به دست خود بگیرم. آنگاه از دشمنان خود انتقام خواهم کشید. و به خصمان خود مکافات خواهم رسانید.

۴۲ تیرهای خود را از خون مست خواهم ساخت. و شمشیر من گوشت را خواهد خورد. از خون کشتگان و اسیران، با روسای سروران دشمن. ۴۳ ای امته با قوم او آواز شادمانی دهید. زیرا انتقام خون بندگان خود را گرفته است. و از دشمنان خود انتقام کشیده و برای زمین خود و قوم خویش کفارہ نموده است.

۴۴ و موسی آمده، تمامی سخنان این سرود را به سمع قوم رسانید، او و یوشع بن نون. ۴۵ و چون موسی از گفتن همه این سخنان به تمامی اسرائیل فارغ شد، ۴۶ به ایشان گفت: «دل خود را به همه سخنانی که من امروز به شما شهادت می‌دهم، مشغول سازید، تا فرزندان خود را حکم دهید که متوجه شده، تمامی کلمات این تورات را به عمل آورند. ۴۷ زیرا که این برای شما امر باطل نیست، بلکه حیات شماست، و به واسطه این امر، عمر خود را در زمینی که شما برای تصرفش از اردن به آنجا عبور می‌کنید، طویل خواهید ساخت.»

### اخبار رحلت موسی

۴۸ و خداوند در همان روز موسی را خطاب کرده، گفت: ۴۹ «به این کوه عباریم یعنی جبل نبوکه در زمین موآب در مقابل اریحاست برای، و زمین کنعان را که من آن را به بنی اسرائیل به ملکیت می‌دهم ملاحظه کن. ۵۰ و تو در کوهی که به آن برمی آبی وفات کرده، به قوم خود ملحق شو، چنانکه برادرت هارون در کوه هور مرد و به قوم خود ملحق شد. ۵۱ زیرا که شما در میان بنی اسرائیل نزد آب مریبا قادش در بیابان سین به من تقصیر نمودید، چون که مرا در میان بنی اسرائیل تقدیس نکردید. ۵۲ پس زمین را پیش روی خود خواهی دید، لیکن به آنجا به زمینی که به بنی اسرائیل می‌دهم، داخل نخواهی شد.»

### ۳۳

### دعای برکت موسی

۱ و این است برکتی که موسی، مرد خدا، قبل از وفاتش به بنی اسرائیل برکت داده، ۲ گفت: «یهوه از سینا آمد، و از سعیر برایشان طلوع نمود. و از جبل فاران درخشان گردید. و با کروهای مقدسین آمد، و از دست راست او برای ایشان شریعت آتشین پدید آمد. ۳ به درستی که قوم خود را دوست می‌دارد. و جمیع مقدساتش در دست تو هستند. و نزدپایهای تو نشسته، هر یکی از کلام تو بهره‌مندی شوند. ۴ موسی برای ما شریعتی امر فرمود که میراث جماعت یعقوب است. ۵ و او در یثورون پادشاه بود هنگامی که روسای قوم اسباط اسرائیل با هم جمع شدند. ۶ رو بین زنده بماند و نمیرد. و مردان او در شماره کم نباشند.»

۷ و این است درباره یهودا که گفت: «ای خداوند آواز یهودا را بشنو. و او را به قوم خودش برسان. به دستهای خود برای خویشتن جنگ می‌کند. و تو از دشمنانش معاون می‌باشی.»

۸ و دربارۀ لاوی گفت: «تمیم و اوریم تو نزد مرد مقدس توست. که او را در مسامحتان نمودی. و با او نزد آب مریبا منازعت کردی. ۹ که دربارۀ پدر و مادر خود گفت که ایشان را ندیده‌ام و برادران خود را نشناخت. و پسران خود را ندانست. زیرا که کلام تو را نگاه می‌داشتند. و عهد تو را محافظت می‌نمودند. ۱۰ احکام تو را به یعقوب تعلیم خواهند داد. و شریعت تو را به اسرائیل. بخور به حضور تو خواهند آورد. و قربانی‌های سوختنی بر مذبح تو. ۱۱ ای خداوند اموال او را برکت بده، و اعمال دستهای او را قبول فرما. کمرهای مقاومت کنندگان را بشکن. کمرهای خصمان او را که دیگر برنخیزند.»

۱۲ و دربارۀ بنیامین گفت: «حبیب خداوند زدوی این ساکن می‌شود. تمامی روز او را مستور می‌سازد. و در میان کتفهایش ساکن می‌شود.»

۱۳ و دربارۀ یوسف گفت: «زمینش از خداوند مبارک باد، از نفایس آسمان و از شبنم، و از لجه‌ها که در زیرش مقیم است. ۱۴ از نفایس محصولات آفتاب و از نفایس نباتات ماه. ۱۵ از نخرهای کوههای قدیم، و از نفایس تلهای جاودانی. ۱۶ از نفایس زمین و پری آن، و از رضامندی او که در بوته ساکن بود. برکت بر سر یوسف برسد. و برفرق سر آنکه از برادران خود ممتاز گردید. ۱۷ جاه او مثل نخست زاده گاوش باشد. و شاخهایش مثل شاخهای گاو وحشی. با آنها امتها را جمیع تا به اقصای زمین خواهد زد. و اینانند ده هزارهای افرایم و هزارهای منسی.»

۱۸ و دربارۀ زبولون گفت: «ای زبولون در بیرون رفتنت شاد باش، و توای یساکار در خیمه‌های خویش. ۱۹ قوما را به کوه دعوت خواهند نمود. در آنجا قربانی‌های عدالت را خواهند گذرانید.

زیرا که فراوانی دریا را خواهند مکید. و خزانه‌های مخفی ریگ را.»

۲۰ و دربارۀ جاد گفت: «متبارک باد آنکه جاد را وسیع گرداند. مثل شیرماده ساکن باشد، و بازو و فرق را نیز می‌درد، ۲۱ و حصه بهترین را برای

خود نگاه دارد، زیرا که در آنجا نصیب حاکم محفوظ است. و با روسای قوم می‌آید. و عدالت خداوند و احکامش را با اسرائیل بجای آورد.»

۲۲ و درباره دان گفت: «دان بچه شیر است که از ایشان می‌جهد.»

۲۳ و درباره نفتالی گفت: «ای نفتالی از رضامندی خداوند سیر شو. و

از برکت او مملو گردیده، مغرب و جنوب را به تصرف آور.»

۲۴ و درباره اشیر گفت: «اشیر از فرزندان مبارک شود، و نزد برادران

خود مقبول شده، پای خود را به روغن فرو برد. ۲۵ نعلین تو از آهن

و برنجست، و مثل روزهایت همچنان قوت تو خواهد بود. ۲۶ ای یشورون

مثل خدا کسی نیست، که برای مدد تو بر آسمانها سوار شود. و در کبریای

خود بر افلاک.

۲۷ خدای ازلی مسکن توست. و در زیر توبازوهای جاودانی است. و

دشمن را از حضور تو اخراج کرده، می‌گوید هلاک کن. ۲۸ پس اسرائیل

در امنیت ساکن خواهد شد، و چشمه یعقوب به تنهایی. و در زمینی که

پر از غله و شیره باشد. و آسمان آن شبنم می‌ریزد. ۲۹ خوشباه حال توای

اسرائیل. کیست مانند تو! ای قومی که از خداوند نجات یافته‌اید. که او

سپر نصرت تو و شمشیر جاه توست. و دشمنانت مطیع تو خواهند شد. و تو

بلندیهای ایشان را پایمال خواهی نمود.»

## ۳۴

### رحلت موسی، مرد خدا

۱ و موسی از عربات موآب، به کوه نبو، برقله فسجه که در مقابل

اریحاست برآمد، و خداوند تمامی زمین را، از جلعاد تا دان، به او نشان داد.

۲ و تمامی نفتالی و زمین افرایم و منسی و تمامی زمین یهودا را تا دریای مغربی.

۳ و جنوب را و میدان دره اریحا را که شهر نخلستان است تا صوغر. ۴ و

خداوند وی را گفت: «این است زمینی که برای ابراهیم و اسحاق و یعقوب

قسم خورده، گفتم که این را به ذریت تو خواهم داد، تو را اجازت دادم

که به چشم خود آن را ببینی لیکن به آنجا عبور نخواهی کرد.»<sup>۵</sup> پس موسی بنده خداوند در آنجا به زمین موآب برحسب قول خداوند مرد.<sup>۶</sup> و او را در زمین موآب در مقابل بیت فغور، در دره دفن کرد، واحدی قبر او را تا امروز ندانسته است.<sup>۷</sup> و موسی چون وفات یافت، صد و بیست سال داشت، و نه چشمش تار، و نه قوتش کم شده بود.<sup>۸</sup> و بنی اسرائیل برای موسی در عربات موآب سی روز ماتم گرفتند. پس روزهای ماتم و نوحه گری برای موسی سپری گشت.

<sup>۹</sup> و یوشع بن نون از روح حکمت مملو بود، چونکه موسی دستهای خود را بر او نهاده بود، و بنی اسرائیل او را اطاعت نمودند، و برحسب آنچه خداوند به موسی امر فرموده بود، عمل کردند.

<sup>۱۰</sup> و نبی‌ای مثل موسی تا بحال در اسرائیل برنخاسته است که خداوند او را روبرو شناخته باشد.<sup>۱۱</sup> در جمیع آیات و معجزاتی که خداوند او را فرستاد تا آنها را در زمین مصر به فرعون و جمیع بندگانش و تمامی زمینش بنماید.<sup>۱۲</sup> و در تمامی دست قوی، و جمیع آن هیبت عظیم که موسی در نظر همه اسرائیل نمود.

lxxx

قدیم ترجمہ

**The Old Persian Version of the Holy Bible in the  
Persian language of Iran**

Public Domain

Language: فارسی (Persian)

Translation by: Wycliffe Bible Translators

2015-04-21

---

PDF generated using Haiola and XeLaTeX on 21 Feb 2024 from source files  
dated 31 Aug 2023

42cf233a-073b-5751-ab25-e35dacee289f